

آموزشی ابتداری



ISSN : 1606-9102

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی
دوره‌ی بیست‌ویکم - آذرماه ۱۳۹۶ - شماره‌ی بی‌درپی ۱۶۸ - صفحه ۴۸ - ۱۱۰۰۰ ریال
www.roshdmag.ir



يك، دو، سه ورزش

کشف کودکی در رفتار معلمان
زنگ هنر فقط برای نقاشی نیست!

۲۶

آموزش خواندن
با شیوه‌های خلاق

۲۸

کیفیت بخشی به آموزش
در کلاس‌های چندپایه

تلنگری برای تفکر

مهلت ارسال پاسخ‌ها
۱۳۹۶/۱۰/۳۰

یکی از اهداف اصلی نظام آموزشی در هر کشوری تسهیل دستیابی به توسعه‌ی همه جانبه است و همه‌ی مؤلفه‌های نظام آموزشی از قبیل برنامه‌ی درسی، معلم، فضا و تجهیزات و مدیریت، به تحقق این امر مهم معطوف می‌شوند. در گفت‌وگوی مجله با دکتر عبدالحسین نفیسی در صفحه‌ی ۲۰ به برخی از ویژگی‌هایی که هر ایرانی برای توسعه‌ی پایدار باید داشته باشد، اشاره شده است.

به نظر شما، «ویژگی‌های معلم»، به‌عنوان عنصری کلیدی و محوری
در نظام آموزشی، برای دستیابی به توسعه‌ی پایدار چیست؟

صندوق پستی مجله: ۳۳۳۱-۱۵۸۷۵

ایمیل مجله ebtedayi@roshdmag.ir

آموزشی ابتدایی

رشد

ماه نامه ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه
www.roshdmag.ir فرهنگیان و کارشناسان آموزشی
دوره ی بیست و یکم - آذرماه ۱۳۹۶ - شماره پیدرپی ۱۶۸ - صفحه ۴۸ - ۱۱۰۰۰ ریال



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی
شرکت افست

سر مقاله — کشف کودکی در رفتار معلمانه / ۲

تقویم ماه — ۴

کت جادویی معلم — قانون گذاری در کلاس درس / نوشته چنی مک کی / ترجمه: حبیب یوسفزاده / ۶

تجربه ی کلاس داری — از گفتن تا شنیدن / مریم عباسی / ۸

برنامه ی درسی — ریاضی / اعداد، حقایق عددی و کشف رابطه ها / سپیده چمن آرا / ۱۰

تربیت بدنی / یک، دو، سه، ورزش / زهرا تسلیمی / ۱۴

هنر / زنگ هنر فقط برای نقاشی نیست! / سید محمد فاطمی / ۳۱

سلامت — بلوغ و ورزش / عباس اردستانی، طیبیه ارشاد / ۱۶

تجربه ی مادرانه — معلم بی معلم، ششم بی ششم / اکبری محمودی / ۱۸

گفت و گو — آموزش ابتدایی با کیفیت مطمئن ترین راه توسعه ی پایدار کشور / انصارالله دادار / ۲۰

مگوبگوی معلم ها — نگاهی به طرح های پیرامونی آموزش ابتدایی / مجتبی دهدار / ۲۴

یادداشت — اشتباهات درست! / یونس نادری / ۲۵

نوشتار — آموزش خواندن و درک مطلب با شیوه های خلاق / بتول صافی نجف آبادی / ۲۶

پرورش استعداد های دانش آموزان ابتدایی با قصه و شعر / حسنقلی عباسعلیزاده، عارفه اسماعیل پور / ۴۲

راهکار — راه های کیفیت بخشی به آموزش در کلاس های چند پایه / رضا نادریان / ۲۸

گفت و گو — مدرسه ی محبوب من / دکتر زهرا بازرگان / ۳۴

خاطره — تجربه — سیده بنین هاشمی تروجنی / ۳۸

داستان — روزگاری که معلم ها آدم بودند / ایزاک آسیموف / ترجمه حبیب یوسفزاده / ۴۰

مدرسه ی زیبای من — خط، رنگ و معنا بر دیوار مدارس / ۴۴

همراهان / ۴۶



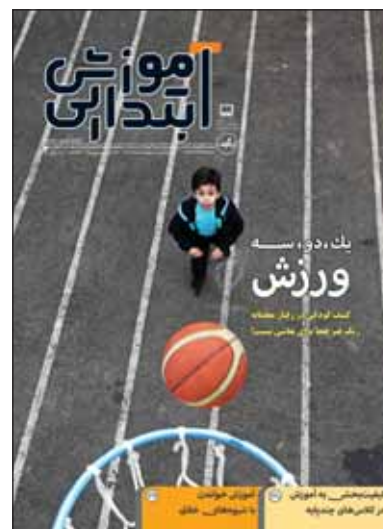
قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

● مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی- تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله ها می توانند با نرم افزار word و روی CD یا از طریق پیام نگار مجله ارسال شوند. ● نشر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه ها) از متن استخراج و روی صفحه ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد. ● معرفی نامه ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عناوین و آثار وی پیوست شود.

● لازم به ذکر است مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست. ● علاوه بر این نکات، ضروری است به نکات مهم تری که در صفحه ی ۴۷ درج شده، توجه فرمایید.

مدیر مسئول: محمد ناصری
سر دبیر: علیرضا متولی
شورای برنامه ریزی:
دکتر فاطمه رضائی، صغری ملکی،
مهندس صادق صادق پور، محبت الله همتی
مدیر داخلی: الهام فراستی
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: ایمان اوجیان
مشاوران این شماره: دکتر محسن وحدانی- رئیس گروه برنامه ریزی
درس تربیت بدنی دوره ی ابتدایی،
زهرا کهندل- مدرس دانشگاه فرهنگیان
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵ / ۳۳۳۱
تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸-۰۲۱ (داخلی ۴۲۹)
۸۸۸۳۱۱۶۱-۰۲۱ (داخلی ۴۲۹)
نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸-
وبگاه اختصاصی: www.eb.roshdmag.ir
وبگاه: www.roshdmag.ir
roshdmag: [Logo]
پیام نگار: ebtedayi@roshdmag.ir

نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
تلفن بازگانی:
۸۸۸۶۷۳۰۸-۰۲۱
شمارگان: ۲۷۰۰۰



عکاس: اعظم لاریجانی



به منظور ایجاد ارتباط با دیگران از دهانش خارج می‌شود، علامتی قرار داد شده است، او را برای کشف خواندن و نوشتن آماده کرده‌ایم. کودکانی که به آن‌ها امکان کشف داده می‌شود، به زودی می‌توانند کلمه‌هایی را که مایل‌اند و قبلاً نیاموخته‌اند، بنویسند. ممکن است تفاوتی بین «ص» و «س» و «ث» فائل نباشند و آنچه می‌نویسند، از نظر استانداردهای نگارشی غلط باشد، اما همین که کودک خودش کشف کرده برای صدهایی که می‌خواهد بیان کند علامتی فائل شود، بخش مهمی از آموزش او انجام شده است.

ما باید در آموزش کودکان به جای آموزش «انجام دادن»، از «امکان دادن» استفاده کنیم. معلم خوب برای دانش آموزش امکان یادگیری و کشف فراهم می‌کند، چون کودکی که در اختیار او قرار گرفته

کشف کودکی در رفتار معلمان

● مرسوم است که در نوشته‌ها و سخنرانی‌ها از مدرسه به عنوان محل «کسب دانش» یاد می‌شود. اگر کودکی و کودکانگی را خوب بشناسیم، متوجه می‌شویم محل کسب دانش بودن مدرسه اشتباهی مصطلح است. کودک به هیچ عنوان در ارتباط با هستی پیرامون خود در پی کسب نیست. او اصولاً کاسب نیست. کودک یک کاشف است و مدرسه باید به او امکان کشف بدهد. پس مدرسه محل «کشف دانش» است. کودک چیزی از بیرون به خود اضافه نمی‌کند، بلکه آنچه را درون خود دارد، استخراج می‌کند. در ظاهر این عبارات تناقضی به چشم می‌خورد. مثلاً شاید پرسیده شود، کودک حروف الفبا و پایه‌های ریاضیات را چگونه کشف می‌کند؟ پاسخ مناسب شاید این باشد که ممکن است ظاهر حروف الفبا را به او یاد دهیم، اما آنچه او می‌آموزد، بر پایه‌ی کشفش از فرایند کنار هم قرارگیری این حروف برای ساختن واژه‌هاست. اگر به کودک کمک کنیم خودش کشف کند چگونه برای صدهایی که

آموزگاری
تنها حرفه‌ای
است که همگی
شغل‌های دیگر را
می‌آفرینند.

آخرین
اشتباه تو
می‌تواند بهترین
معلمت باشد.

اندیشه‌ی معلمی

الهام فراستی

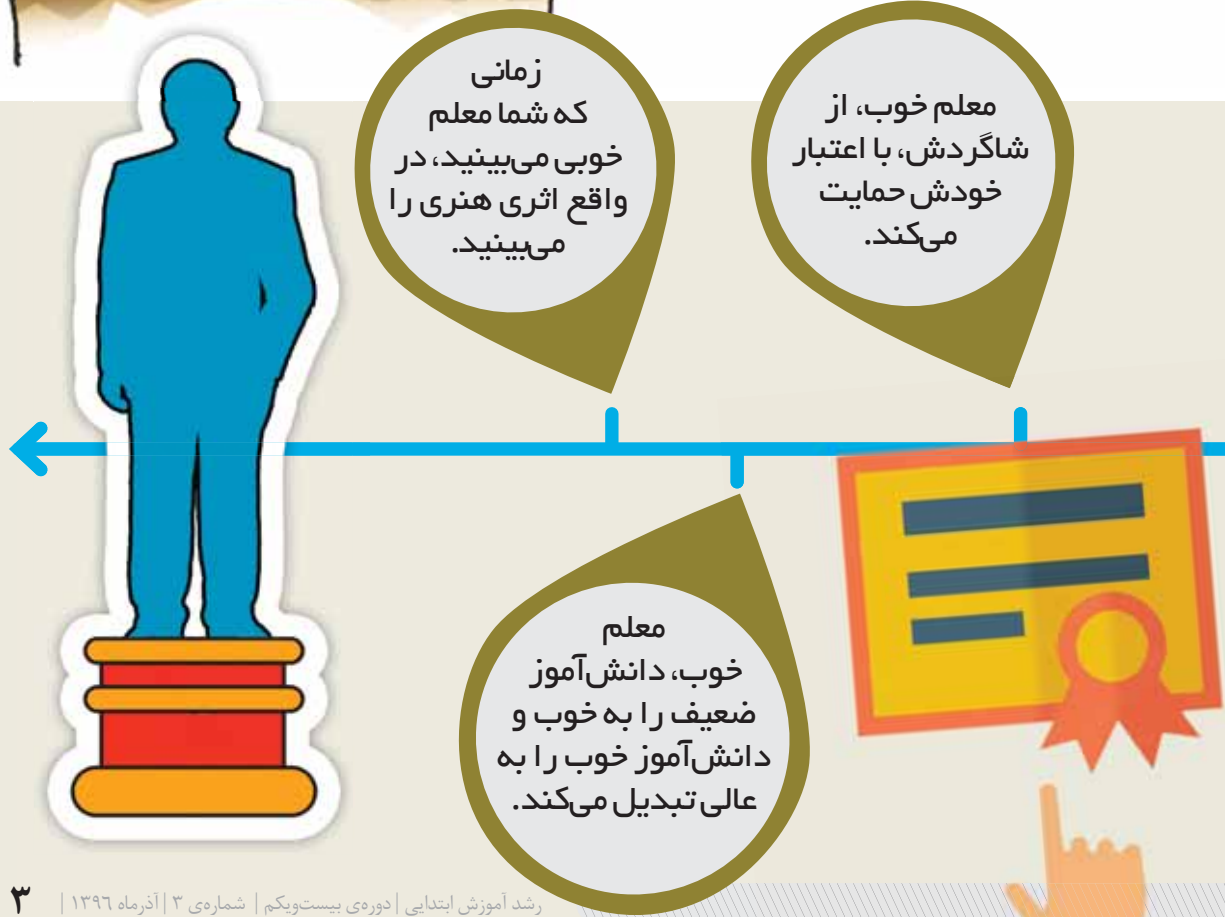




است، یک کاشف به تمام معناست. کشف یعنی یافتن ناشناخته‌ها. کودکی که کشف می‌کند، دانش را درونی می‌کند و کودکی که می‌آموزد، هر لحظه امکان فراموشی آنچه را یاد گرفته است دارد. معلم ورزیده باید بتواند خود را در فضای کودکی قرار دهد و کودکانه با دانش‌آموزانش همدل شود. مهم‌تر اینکه در کشف فرایندها با آن‌ها همراه شود. معلم کودکان باید خودش کودک شود و با مشخصه‌های کودکی به کلاس برود: چون که با کودک سر و کارت فتاد پس زبان کودکی باید گشاد در واقع، زبان کودکی مثل کودکان حرف زدن یا صرفاً ساده حرف زدن نیست، بلکه کودکانه اندیشیدن و کودکانه زیستن است که باعث می‌شود معلم و کودک هر دو با هم به کشف بپردازند. ■



تصویرگر: آرش عادل





۳۰ آذر

کارکردهای آموزشی و تربیتی

۱ گرامیداشت شب یلدا که یک سنت باستانی است و پیوند ذهن دانش‌آموز به تاریخ گذشته‌ی ایران.

۷ آذر

کارکردهای آموزشی و تربیتی

۱ توضیح اینکه یگان‌های نیروی دریایی جزئی از نیروهای ارتش هستند.

۲ بیان خاطراتی از فعالیت نیروی دریایی در مقابل ورود دشمن به مرزهای آبی

۳ آشنایی با عملکرد نیروی دریایی

۴ شناخت چگونگی وارد شدن به نیروی دریایی

۵ آشنایی با حداقل چند درجه‌ی نظامی در نیروی دریایی

ملوانان گروهی از ارتش هستند که برای دفاع از مرزهای آبی بیشتر عمر خود را روی کشتی می‌گذرانند.



هفته‌ی بسیج

۵ آذر

کارکردهای آموزشی و تربیتی

۱ درک مفهوم گروه و کنار هم کار و فعالیت کردن.

۲ قدرت بسیج در زمان‌های بروز حوادثی چون سیل و زلزله برای یاری‌کردن آسیب‌دیدگان

۳ دانستن اینکه این نام به فرمان امام خمینی (ره) انتخاب شده است. بسیج یعنی آمادگی همگانی برای آبادی و آبادانی کشور و در صورت لزوم آمادگی برای دفاع از مرزهای کشور.



شهادت امام حسن عسکری (ع)

۶ آذر

کارکردهای آموزشی و تربیتی

۱ بازگویی داستانی از زندگی ایشان.

۲ توضیح چگونگی تولد امام یازدهم و دلایل مخفی بودن تولد فرزند ایشان.

۳ نقل روایتی از ایشان.

۴ بیان شرح زندگی ایشان که در حصر و در پادگان گذشت.

روز معلولان

۱۲ آذر

کارکردهای آموزشی و تعلیمی و تربیتی

- ۱ آموزش احترام گذاشتن به شخص معلول، به جای ترحم کردن به او.
 - ۲ کوشیدن برای تشویق و تمجید معلول به منظور شرکت فعالانه در اجتماع.
 - ۳ آگاه کردن معلولان برای پرورش استعدادها و نهفته‌های خود.
 - ۴ شناخت انواع معلول شامل ناشنوا، نابینا و معلول جسمی، حرکتی و ذهنی.
 - ۵ رشد اذهان عمومی درباره‌ی مسائل مربوط به معلولان، باور داشتن آن‌ها و چگونگی برخورد صحیح با آن‌ها.
 - ۶ شهروند محسوب کردن معلول در جامعه.
- معلول کسی است که نقصی جسمی یا ذهنی دارد که از استقلال فردی، اجتماعی و اقتصادی او می‌کاهد.



مجله‌ی رشد نوآموز
شماره ۳-۱۳۹۶

شب یلدا

- ۲ مفهوم شب یلدا را که دور هم جمع شدن خانواده، کتاب شعر و حافظ و خوردن خوراکی‌های مخصوص این شب است و یک اتفاق دینی و فرهنگی است، بداند.
- ۳ اهمیت شب یلدا را که به‌عنوان میراث فرهنگی و معنوی در یونسکو ثبت شده است، بداند.

۱۵ آذر ولادت پیامبر اسلام (ص) و امام صادق (ع)، هفته‌ی وحدت، روز مدرس و مجلس

کارکردهای آموزشی و تعلیمی و تربیتی

- ۱ شناخت سیره‌ی زندگی پیامبر اسلام (ص) و امام صادق (ع) (ساده‌زیستی، آرامش و مهربانی و بازی با کودکان).
 - ۲ امام صادق (ع) امام ششم شیعیان، بنیانگذار مذهب شیعه‌ی دوازده امامی هستند. ایشان دانش دینی را پس از پدرشان گسترش دادند و نزدیک به ۶۰۰۰ دانشجوی علوم دینی تربیت کردند.
 - ۳ گرامیداشت ولادت پیامبر اسلام (ص) و امام صادق (ع) و تنظیم برنامه‌هایی برای جشن ولادت ایشان.
- سنی‌ها ۱۲ ربیع‌الاول و شیعیان ۱۷ ربیع‌الاول را به‌عنوان روز ولادت پیامبر (ص) جشن می‌گیرند. به همین دلیل، این روزها را هفته‌ی وحدت بین شیعه و سنی می‌نامند.

روز دانشجو

۱۶ آذر

کارکردهای آموزشی و تعلیمی و تربیتی

- ۱ شناخت مفهوم دانشجو
 - ۲ گرامیداشت روز دانشجو و زنده نگه داشتن یاد شهدای دانشجو از ابتدا تاکنون
 - ۳ شرح چگونگی کنار هم قرار گرفتن دانش و حساسیت به سرنوشت کشور
- در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ دانشجویان به هنگام اعتراض به دیدار معاون رئیس‌جمهور آمریکا که به‌منظور از سرگیری روابط ایران و انگلیس انجام می‌شد، در دانشگاه تهران کشته شدند.

روز نیروی دریایی





محروم خواهی شد و برای بقیه‌ی حرف‌هایت باید تا فردا صبر کنی.

انواع قواعد و اهمیت پایبندی به آن‌ها

قواعد به نرم‌تر و راحت‌تر شدن جریان یادگیری کمک می‌کنند. یادتان باشد، وقتی دانش‌آموزان می‌دانند چه انتظاری از آن‌ها داریم، راحت‌ترند. با وضع قواعد، دانش‌آموزان به سمت عادت‌های خوب سوق داده می‌شوند. این قواعد می‌تواند «صف بستن قبل از ورود به کلاس» یا «دست به دست دادن ورقه‌ها و دفترها در کلاس» یا «توبتی بودن پاک کردن تخته سیاه» و غیره باشد. قواعد رفتاری را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱ قواعد الزامی یا اصولی که بچه‌ها باید رعایت کنند و برای حفظ سلامتی فردی و اجتماعی آنان در نظر گرفته شده‌اند. این قواعد باید صریح بیان شوند و از اجرای درست آن‌ها اطمینان حاصل شود.

۲ قواعد خودخواسته که بچه‌ها با نظارت معلم یا والدین برای خودشان تعریف می‌کنند. آن‌ها همین‌طور که به تدریج مسئولیت‌پذیری و انتخاب را فرامی‌گیرند، قادر می‌شوند الزاماتی را در مورد خودشان اعمال کنند و برای خودشان تصمیمات درستی بگیرند. معلمان باید با موقع‌شناسی و ظرافت بچه‌ها را ترغیب به وضع چنین قواعدی برای خودشان کنند.

۳ قواعد اختیاری آن‌هایی هستند که والدین و معلم‌ها اصرار دارند بچه‌ها اطاعت کنند، اما بچه‌ها از انجام آن‌ها طفره می‌روند. دلیلش این است که قواعد از صراحت لازم برخوردار نیستند. به‌طور صحیح اعمال نمی‌شوند، اطاعت‌پذیری آن‌ها بررسی نشده یا سرپیچی از آن‌ها عواقب جدی ندارد. چنین قواعدی لاجرم منجر به رنجش، خستگی و حتی خشم می‌شوند و مشکلات رفتاری را دامن می‌زنند. سوءرفتار مکرر دانش‌آموزان در کلاس غالباً از اینجا ناشی می‌شود که معلم قواعد اجباری خود را به

قواعدی اختیاری بدل می‌کند و آن‌گاه از سوءرفتار بچه‌ها متعجب می‌شود.

روش اجرا

وقتی کلاس جدیدی به شما واگذار می‌شود، یکی دو روز اول به خودتان فرصت دهید تا با مشاهده‌ی وضعیت کلاس درباره‌ی اهداف رفتاری مورد تأکید خود تصمیم‌گیری کنید.

اهداف رفتاری مورد انتظار خود را در «دفترچه‌ی پایش رفتار» فهرست کنید. بکوشید فهرست شما ساده و موارد صریح و شفاف باشند.

زیر هر هدف رفتاری، فهرستی از مصداق‌های آن را یادداشت کنید. برخی از این اهداف ممکن است در مقررات کلاسی تحقق یابند. اهداف را اولویت‌بندی و زمان لازم برای تأکید بر آن‌ها را مشخص کنید، از یک هفته و یک ترم گرفته تا پایان دوره.

ممکن است بخواهید دانش‌آموزان روی اهدافی کلی همچون احترام متمرکز شوند. موقع پرداختن به آن‌ها صریح باشید و از ترندهایی همچون بازی و ایفای نقش برای تبیین بهره‌برید.

در مورد لزوم و دلایل قواعد رفتاری بحث کنید

مثال

معلم: تکالیف کو؟

دانش‌آموز: نیاورده‌ام.

معلم: اما قرارمان این بود که تکالیف شنبه‌ها آماده باشند.

دانش‌آموز: میکائیل هم هفته‌ی پیش تکلیف نیاورده بود، ولی بهش اجازه دادید دوشنبه بیاورد! البته نباید فراموش کرد که قواعد باید متناسب با سن بچه‌ها و مربوط به کلاس باشد. برخی قواعد را می‌توان در مورد همه‌ی کلاس‌ها اعمال کرد و برخی را باید مختص کلاس‌های خاصی در نظر گرفت.

● با استفاده از روش بارش مغزی همه‌ی پیشنهادها را فهرست کنید.

● بگذارید خود بچه‌ها پیشنهادهای نامناسب را از فهرست حذف کنند تا به یک فهرست نهایی و اولویت‌بندی شده برسند.

● بسیار مهم است که بچه‌ها را به اداره‌ی جلسه‌ی قانون‌گذاری و ثبت نتایج آن ترغیب کنید. سعی کنید تمام بچه‌ها در وضع این قواعد و عواقب سرپیچی از آن‌ها مشارکت کنند. یادتان باشد مشارکت یعنی ذی‌نفع شدن و ذی‌نفع شدن مسئولیت‌پذیری می‌آورد. برخی قواعد نیز ممکن است بسته به شرایط کلاس و هنگام بروز برخی سوءرفتارها وضع شوند. در این مواقع نباید بچه‌ها را ملامت یا تحقیر کرد، بلکه باید مشکلات و هرج و مرجی را که یک جامعه‌ی بی‌قانون را تهدید می‌کند، شرح داد و لزوم وجود قواعد برای حفظ سلامت جمع را گوشزد کرد.

● اگر بچه‌ها حس کنند قاعده‌ای فقط به نفع شماست، در اجرا با آن مشکل خواهند داشت. اما اگر منافع جمع مطرح باشد، همدلی و مسئولیت‌پذیری بیشتری از خود نشان خواهند داد. یادتان باشد قواعد باید طوری باشند که راحت به خاطر سپرده شوند. بنابراین، سعی کنید ساده، شفاف و با عبارات مثبت بیان شوند. مثلاً به جای اینکه بگوییم «نباید به امکانات کلاس آسیب بزنیم» بهتر است بگوییم «باید امکانات کلاس را سالم نگه داریم» توصیه می‌شود قواعد کلی کلاس چهار تا شش مورد بیشتر نباشند

● دقت کنید که عواقب سرپیچی به یادگیری، مسئولیت‌پذیری و تصحیح خطاها منجر شود. زیرا تنبیه صرف ممکن است موجب رنجش و سخت شدن مدیریت رفتار در بچه‌ها شود.

● در ابتدای هر ترم یا فصل، قواعد و پیامدهای آن‌ها را همراه بچه‌ها بازنگری کنید. فراموش نکنید که قواعد ثابت نیستند و هم‌زمان با رشد بچه‌ها باید تغییر یابند. ■

از گفتن تا شنیدن

همیشه در طول تدریس فضای کلاس از همه‌همه، پیچ‌پیچ، بی‌قراری و صحبت کردن دانش‌آموزان پر بود. مشاهده‌ی این وضعیت احساس خستگی و ناامیدی از ادامه‌ی تدریس را در من به‌وجود می‌آورد. در نتیجه با بیان کلماتی سرزنش‌آمیز، حاکی از همراهی نکردن بچه‌ها با خودم، به ادامه‌ی تدریس مشغول می‌شدم و هنوز حرف‌های من تمام نشده، که دوباره این فضا حاکم می‌شد. تکرار این روال خسته‌ام کرد. به این نتیجه رسیدم که مشکل کلاس جدی است. تصمیم گرفتم مسئله را بررسی کنم. برای شروع بررسی، رفتار دانش‌آموزان را زیر نظر گرفتم. از مشاهداتم به این نتیجه رسیدم که به غیر از موضوعات درسی، عوامل مهم‌تری نیز وجود دارند که بر انگیزه و علاقه‌های دانش‌آموزان در یادگیری تأثیر می‌گذارند.

یکی از مهم‌ترین عوامل، ارتباط میان فردی اولیا و سپس معلم با دانش‌آموزان است، زیرا موفقیت دانش‌آموزان در انجام فعالیت‌های کلاسی - غیر کلامی تحت تأثیر تجربه‌های قبلی آن‌هاست که در ارتباط با پدر و مادر به‌دست آورده‌اند. از آنجا که احساسات دانش‌آموزان نسبت به درس و معلم خودشان در یادگیری آن‌ها تأثیرگذار است، سعی کردم به‌عنوان معلم به دانش‌آموزان بفهمانم در عمل برای آنان ارزش قائلم و احساساتشان را می‌فهمم تا احساس خود ارزشمندی کنند، چرا که این نوع ارتباط زمینه‌ساز یادگیری بیشتر می‌شود. لذا تصمیم گرفتم راهکارهایی بدین شرح، به منظور بهبود و به‌دست آوردن سلامت روانی - عاطفی کلاس و ایجاد فضای یادگیری توأم با حفظ ذوق و شوق در دانش‌آموزان به کار ببرم.

نقش معلم بر طرز تفکر اولیا

پدر و مادر نخستین معلمان زندگی دانش‌آموزان هستند. از این رو، برای پیشرفت تحصیلی فرزندان بیشترین دغدغه را دارند و در این راه از هیچ تلاشی مضایقه نمی‌کنند. یادگیری چگونگی برقراری رابطه با فرزند به یادگیری و تمرین نیاز دارد. لذا سعی کردم در جلسات دیدار

با اولیا، خودم را عضوی از تیم حمایت و پشتیبانی از فرزندشان در تمام عرصه‌ها (آموزشی - رفتاری) معرفی کنم. به اولیا توضیح دادم، کار من به‌عنوان معلم این است که فرصت‌های مناسبی در اختیار دانش‌آموزان قرار دهم تا احساس موفقیت و پیشرفت بیشتری کنند. انتظار دارم فرزندشان در کلاس من موفق شود. در این جلسه به اولیا فرصت دادم برای همکاری اعلام آمادگی کنند. به آن‌ها توضیح دادم، شما می‌توانید عضو تیمی شوید که به بچه‌ها کمک می‌کند در کسب تجارب یادگیری موفق شوند. چرا که من به‌عنوان معلم به این موضوع اعتقاد دارم که همکاری اولیا با معلم نقطه عطف توسعه و گسترش توانمندی‌های دانش‌آموزان است.

جلب اعتماد دانش‌آموزان

سعی کردم با دانش‌آموزان ارتباطی بر پایه‌ی اعتماد داشته باشم، چرا که هر اتفاقی که در کلاس رخ می‌دهد و هر رفتاری که از دانش‌آموزان سر می‌زند، دلیلی دارد که باید علت آن را کشف کنم. به همین خاطر سعی کردم در تمام کارهایی که از دانش‌آموزان می‌خواستم انجام دهند، این باور را به آن‌ها بدهم که در کنارشان هستم و می‌توانند به هر

روشی که مایل‌اند کار را انجام دهند. دائم این جمله را با خود تکرار می‌کردم: اگر من نتوانم دانش‌آموزانم را باور کنم، چطور می‌توانم انتظار داشته باشم آن‌ها در انجام فعالیت‌ها به خودشان اعتماد کنند؟

انضباط

در کلاس من همواره اخلاق خوب در اولویت قرار دارد و هر روز بچه‌ها برای دریافت امتیاز دوست خوب تلاش می‌کنند. به‌همین دلیل، از کارت‌هایی رنگی استفاده کرده‌ام تا به‌عنوان یادآوری‌کننده‌هایی دیداری، از چگونگی خودکنترلی هر دانش‌آموز در طول روز آگاه شوم. سپس در هر جلسه دیدار با اولیا (هفتگی - ماهانه) گزارشی کوتاه از روند آموزشی - رفتاری فرزندشان به آن‌ها ارائه می‌دهم. برای مثال:

کارت سفید: در انجام فعالیت‌های آموزشی، برقراری ارتباط با همسالان و رعایت قوانین کلاس مسئولیت‌پذیر و موفق است.

کارت قرمز: در انجام فعالیت‌های آموزشی - رفتاری قانون‌شکنی کرده است. در نتیجه با اولیایش تماس گرفتم.

کارت خاکستری: مشکل جدی است، به مدیر مدرسه گزارش کردم. گاهی اوقات در



پیامی به همکاران

● روش‌هایی را که خلق کرده‌اید و تجربیاتی را که به‌دست آورده‌اید، به یکدیگر معرفی کنید تا از این طریق به یادگیری بهتر دانش‌آموزان کمک کرده باشید.

● به جای انباشتن ذهن دانش‌آموزان از مفاهیم و اطلاعات، زمینه‌ی مناسبی برای لیاقت‌پروری و خودشناسی دانش‌آموزان فراهم کنید.

● به منظور حفظ ایمنی عاطفی و ذوق و شوق دانش‌آموزان در یادگیری، اولیا را در کسب تجارب یادگیری فرزندان‌شان مشارکت دهید.

● در کنار برنامه‌ی هفتگی، گاهی بازدید و گردش علمی هدف‌دار هم داشته باشید، چرا که تأثیر مثبت این نوع برنامه‌ها از محتوای کتاب و تدریس کلامی معلم بیشتر است.

● سعی کنید حاصل یادگیری در کلاس را به زندگی و نیاز فعلی دانش‌آموزان ارتباط دهید.

منابع

۱. فافوس، کارن آر. بهبود مستمر در کلاس. ترجمه‌ی لیلی محمد حسین. نشر قطره. ۱۳۸۵.
۲. بروس جویس، مارشاولیل. الگوهای تدریس ۲۰۱۵. ترجمه‌ی دکتر محمدرضا بهرنگی. چاپ اول. ۱۳۹۴.
۳. ماهنامه‌ی آموزشی - تربیتی اولیا و مربیان. شماره‌ی ۴۴۰. مهرماه ۱۳۹۵.

غلط‌های املایی را پیدا کنیم و آنان را آگاه کنیم. لذا کلماتی را که دانش‌آموزان با املائی آن‌ها مشکل داشتند فهرست کردم. بعد هم فهرستم را به‌صورت درس به درس در اختیار اولیا قرار دادم و آن‌ها را تشویق کردم این لغات را در متن جملات معنی‌دار مانند جمله‌سازی، داستان، مسئله و ... تمرین کنند و معنی آن‌ها را به دانش‌آموزان بگویند، چرا که نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم دانش‌آموزان بدون درست خواندن کلمه و ندانستن معنی آن، بتوانند املايش را درست بنویسند.

تدریس دانش‌آموزان

یکی از فواید تدریس دانش‌آموزانم این بود که فرصتی فراهم شد تا با استفاده از بازخورد آن‌ها به نقاط ضعف و قوت تدریس خود پی ببرم. توانستم از دانش‌آموزان بپرسم چطور می‌توانیم این موضوع را با روش دیگری تدریس کنیم؟ این فرصت باعث شد همه‌ی دانش‌آموزان در کلاس احساس کنند هدف مشترکی دارند. در نتیجه، ضمن یادگیری، علاقه، ذوق و شوق آن‌ها را حفظ کردم. ■

زمان استراحت خودم، همراه دانش‌آموز در کلاس می‌مانم تا در کار کلاسی ناتمامی مانند درست کردن ماکت محله یا برطرف کردن مشکلاتشان در مفاهیم ریاضی و روخوانی، به آن‌ها کمک کنم. گاهی اوقات مجبور می‌شوم بارها و بارها با دانش‌آموزی که برای کنترل رفتار خود به کمک بیشتری نیاز دارد صحبت کنم تا متوجه شود چگونه با دوستان خود برخورد کند.

تحلیل اشتباه‌های آموزشی دانش‌آموزان به جای قضاوت خودمحورانه و ذهن‌گرا

محور اصلی پیشرفت هر کلاسی به فعلیت رسیدن استعدادهای بالقوه‌ی دانش‌آموزان است که به کیفیت عملکرد معلم بستگی دارد. لذا با خودم عهد کردم دانش‌آموزان را به خاطر ندانستن و اشتباه کردن سرزنش و تحقیر نکنم. به همین خاطر تصمیم گرفتم برای هر موضوع آموزشی هدف مشخص و شفاهی تعیین کنم. برای مثال: دانش‌آموزانم در املا نویسی کلمات اشکال داشتند. همین باعث بروز بدفهمی‌ها، سردرگمی‌ها و موفق نبودن آن‌ها شده بود. مسئولیت من این بود که ریشه‌ی

ریاضیات دوره‌ی ابتدایی و الگوها (۳)

اعداد، حقایق عددی و کشف رابطه‌ها

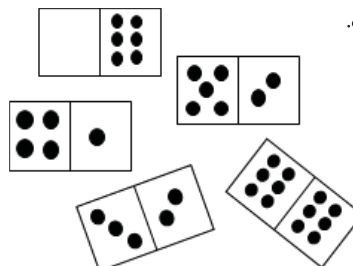
«ریاضیات، به عنوان علم مطالعه‌ی الگوها و ارتباطات، هنری دارای نظم و برخوردار از سازگاری درونی و زبانی دقیق برای تعریف اصطلاحات و نمادها و ابزار کار در بسیاری از علوم و حرفه‌ها تعریف شده است» (سند برنامه‌ی درسی ملی، اسفند ۹۱، ص ۳۳). با توجه به سند فوق، بررسی الگوهای موجود در یک پدیده و بیان روابط حاکم بین اجزای آن، یکی از اهداف دوره‌ی ابتدایی است. برای رسیدن به این هدف، از زمینه‌ی مناسب باید استفاده کرد. یکی از زمینه‌های جالب و مناسب برای این موضوع، بازی دومینو است. همان‌طور که در کتاب‌های درسی ریاضی اول و دوم ابتدایی، جدول‌های سودوکو - به عنوان معمای بین‌المللی ریاضی - (چه به صورت تصویری، چه با اعداد، و در ابعاد ۲×۲ یا بزرگ‌تر) زمینه‌ای برای افزایش و تقویت توانمندی‌های متعددی مانند آشنایی با عدد، حل مسئله، راهبردهای تفکر و مانند آن است، از بازی و مهره‌های دومینو نیز می‌توان برای کمک به افزایش و تقویت توانایی‌ها و مهارت‌هایی استفاده کرد. در مطلب پیش رو دومینوها را به شما معرفی می‌کنیم و فعالیت‌های آموزشی مناسبی را که برای پایه‌ی اول (یا دوم و حتی بالاتر) می‌توان با کمک آن‌ها انجام داد طرح می‌کنیم و به بحث می‌گذاریم.

با دومینوها آشنا شویم

دومینوها مهره‌های مستطیل شکلی هستند که از دو مربع هم‌اندازه تشکیل شده‌اند. در هر مهره‌ی دومینو روی هر مربع، یکی از اعداد صفر تا شش یا خالهایی درج شده است. در تصویر، تعدادی از این مهره‌ها را می‌بینید.

آیا می‌دانید یک دست مهره‌ی دومینو چند مهره دارد؟

برای پاسخ به این پرسش توجه کنید که فقط از عددهای صفر تا شش باید استفاده کنید و دو مربع هر مهره را با آن‌ها پر کنید. بنابراین، طبق اصل شمارش در حساب، ۷×۷ یعنی ۴۹ حالت داریم. اما به جز هفت مهره‌ای که روی آن‌ها جفت هست (مانند شش - شش در تصویر زیر)، در ۴۲ حالت باقی مانده، مهره‌ها دو به دو یکی هستند، مثلاً مهره‌ی سه - دو با مهره‌ی دو - سه یکی است. پس به جای ۴۲ مهره، ۲۱ مهره داریم، که با آن هفت مهره‌ی جفت، روی هم می‌شود ۲۸ مهره. در ۲۸ مهره‌ی دومینو، هر عدد ۸ بار ظاهر می‌شود: شش بار با اعداد دیگر، و دو بار در یک مهره‌ی جفت.



فعالیت ۱

نام اعضای گروه: تاریخ:

با دقت در مهره‌های دومینو، به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

۱. چند مهره‌ی دومینو دارید؟
۲. چه عددهایی روی مهره‌های دومینو می‌بینید؟
۳. کوچک‌ترین عدد روی مهره‌های دومینو چیست؟
۴. بزرگ‌ترین عدد روی مهره‌های دومینو چیست؟
۵. از عدد ۳ چند تا روی مهره‌های دومینو هست؟
 - از عدد ۴ چندتا؟
 - از عدد ۵ چندتا؟
 - از عدد ۶ چندتا؟
 - از عدد ۰ چندتا؟
 - از عدد ۱ چندتا؟
 - از عدد ۲ چندتا؟
۶. در مهره‌های دومینو کدام عدد بیشتر از همه آمده است؟
۷. عدد ۰ در کنار چه عددهای دیگری آمده است؟
 - عدد ۱ در کنار چه عددهای دیگری آمده است؟
 - عدد ۲ در کنار چه عددهای دیگری آمده است؟
 - عدد ۳ در کنار چه عددهای دیگری آمده است؟
 - عدد ۴ در کنار چه عددهای دیگری آمده است؟

فعالیت بالا برای دانش‌آموزان اول دبستان که اعداد را از یک تا شش می‌شناسند و با عدد صفر نیز آشنا هستند، مناسب است. در این فعالیت، دانش‌آموزان در واقع با مهره‌های دومینو آشنا می‌شوند تا در فعالیت‌های بعدی با بازی با آن‌ها بتوانند از این شناخت استفاده کنند. آن‌ها باید نظمی را که در مهره‌های دومینو وجود دارد مشاهده و کشف و بیان کنند. به این ترتیب، هم روی مهارت کشف و بیان روابط و الگوها تمرین می‌کنند، هم در شمارش و شناخت اعداد یک تا شش مهارت پیدا می‌کنند و هم عدد صفر را می‌بینند.

حقایق عددی و کشف روابط و تعمیم آن‌ها

یکی از مهم‌ترین موضوعات ریاضی دبستان، به‌خصوص در دو سال اول، آشنایی با عددهای طبیعی، شناخت صفر، آشنایی با دو عمل جمع و تفریق و درک ارتباط بین این دو عمل، و بالاخره آشنایی با حقایق عددی است که در این دو عمل وجود دارد. منظور از حقایق عددی، الگوهای ثابتی است که در ارتباط با این دو عمل در اعداد وجود دارد. برای نمونه، در عددهایی که مجموع ثابت دارند، می‌توان نظم و الگوهایی دید. مثال زیر را ببینید:

$$0+4=4$$

$$1+3=4$$

$$2+2=4$$

$$3+1=4$$

$$4+0=4$$

می‌بینید که در مجموع ۴، اگر از صفر شروع کنیم، یکی یکی به عدد راست در جمع اضافه و از عدد چپ کاسته می‌شود. همچنین، همیشه صفر با خود آن عدد باید جمع شود تا حاصل موردنظر به‌دست آید. این‌ها حقایق عددی مهمی هستند که به همه‌ی اعداد قابل تعمیم هستند. از سویی دیگر، بازی کردن برای دانش‌آموزان همیشه جذاب است و استفاده از بازی در آموزش موضوعی داغ است. در این مطلب قصد نداریم به این موضوع بپردازیم، لیکن تنها اشاره می‌کنیم که بعضی از بازی‌ها می‌توانند زمینه‌هایی در آموزش ایجاد کنند که ضمن انجام آن بازی، مهارت‌ها و مفاهیم گوناگون و بسیار در دانش‌آموزان شکل گیرد و توسعه یابد. ضمن اینکه این امکان وجود دارد که بازی طی سال تحصیلی یا حتی طی چند سال تحصیلی - با برنامه مشخص و به‌صورت هدفمند - استمرار یابد و بین دانش‌آموزان رواج پیدا کند. سه فعالیت بعد را که برای مهره‌های دومینو نوشته شده‌اند، ببینید.

فعالیت ۲

مجموع‌های یکسان

با دقت در مهره‌های دومینو، شکل‌های خواسته شده را بکشید:

۱. مهره‌هایی که حاصل جمع خال‌های دو قسمت آن ۱۰ است.
۲. مهره‌هایی که حاصل جمع خال‌های دو قسمت آن ۹ است.
۳. مهره‌هایی که حاصل جمع خال‌های دو قسمت آن ۸ است.
۴. مهره‌هایی که حاصل جمع خال‌های دو قسمت آن ۷ است.
۵. مهره‌هایی که حاصل جمع خال‌های دو قسمت آن ۶ است.
۶. مهره‌هایی که حاصل جمع خال‌های دو قسمت آن ۵ است.
۷. مهره‌هایی که حاصل جمع خال‌های دو قسمت آن ۴ است.
۸. مهره‌هایی که حاصل جمع خال‌های دو قسمت آن ۳ است.
۹. مهره‌هایی که حاصل جمع خال‌های دو قسمت آن ۲ است.
۱۰. مهره‌هایی که حاصل جمع خال‌های دو قسمت آن ۱ است.

حال به این پرسش‌ها جواب دهید:

۱. آیا مهره‌ای هست که حاصل جمع خال‌های دو قسمت آن ۰ باشد؟
۲. آیا مهره‌ای هست که حاصل جمع خال‌های دو قسمت آن ۱۱ باشد؟
۳. آیا به جز حاصل جمع‌های بالا، حاصل جمع دیگری برای خال‌های روی مهره‌های دومینو وجود دارد؟



فعالیت ۳

تفاضل‌های یکسان

با دقت در مهره‌های دومینو شکل‌های خواسته شده را بکشید:

۱. مهره‌هایی که حاصل تفریق خال‌های دو قسمت آن ۱ است.
۲. مهره‌هایی که حاصل تفریق خال‌های دو قسمت آن ۲ است.
۳. مهره‌هایی که حاصل تفریق خال‌های دو قسمت آن ۳ است.
۴. مهره‌هایی که حاصل تفریق خال‌های دو قسمت آن ۴ است.
۵. مهره‌هایی که حاصل تفریق خال‌های دو قسمت آن ۵ است.

به این سؤال‌ها نیز پاسخ دهید:

۱. آیا مهره‌ای هست که حاصل تفریق خال‌های دو قسمت آن ۶ باشد؟
۲. آیا مهره‌ای هست که حاصل تفریق خال‌های دو قسمت آن ۷ باشد؟
۳. آیا به جز حاصل تفریق‌های بالا، حاصل تفریق دیگری برای خال‌های روی مهره‌های دومینو وجود دارد؟



فعالیت‌های ۲ و ۳ نیز برای دانش‌آموزان اول دبستان که جمع و تفریق اعداد تا عدد ۶ را می‌دانند، مناسب است. در این فعالیت، دانش‌آموزان درواقع با پاسخ دادن به پرسش‌ها می‌توانند حقایق مربوط به اعداد از صفر تا شش و روابط موجود در جمع و تفریق این اعداد را کشف کنند. همچنین، با رابطه‌ی بین جمع و تفریق به‌عنوان دو عمل روی اعداد بیشتر آشنا شوند.

بازی دومینو: زمینه‌های ایجاد شده برای آموزش ریاضی

دانش‌آموزان ابتدایی، علاوه بر اینکه با مشاهده‌ی مهره‌های دومینو الگوهای جالب و حقایق عددی بسیاری را می‌بینند، با بازی دومینو نیز مهارت‌های بیشتری در زمینه‌های متعدد کسب می‌کنند. از جمله به موارد زیر اشاره می‌کنیم:

شمارش، مقایسه‌ی اعداد (هنگام برنامه‌ریزی برای اینکه مهره‌های باقی مانده در دست خود یا دیگر بازیکنان را تشخیص دهند تا امتیاز بیشتر کسب کنند یا امتیاز کمتر به رقیبان بدهند)، جمع اعداد (هنگام محاسبه‌ی امتیازها)، تفریق اعداد (هنگام برآورد امتیاز باقی مانده تا رسیدن به عدد ۱۰۰ و برنده شدن) و بالاخره راهبردهای تفکر و درک مفهوم بخش‌پذیری (هنگام تقسیم مهره‌ها بین بازیکنان).

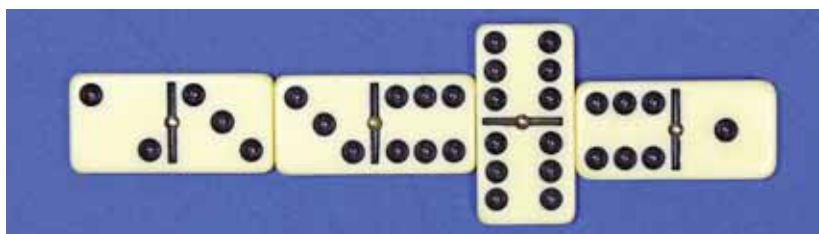


بازی دومینو

این بازی با همان مهره‌ها که پیش از این معرفی کردیم انجام می‌شود. تعداد بازیکنان در این بازی دو تا پنج نفر است.

شروع بازی: ابتدا مهره‌ها را به پشت روی میز قرار دهید، طوری که هیچ‌کس روی آن‌ها را نبیند. آن‌ها را حسابی قاطی کنید و سپس به تساوی بین بازیکنان پخش کنید. در بازی پنج نفره، باید سه تا از مهره‌ها را شانس و بدون اینکه بازیکنان ببینند، کنار بگذارید. به همین ترتیب، در بازی سه نفره باید یک مهره را کنار گذاشت. سپس هر بازیکن مهره‌های خود را بر می‌گرداند و آن‌ها را طوری که هیچ‌کس نبیند، جلوی خود می‌چیند.

روش بازی: کسی که شش-شش دارد، بازی را شروع می‌کند (اگر اتفاقاً مهره‌ی شش-شش جزو مهره‌های کنار گذاشته شده بود، جفت بعدی یعنی پنج-پنج، و اگر آن هم در دست بازیکنان نبود، جفت بعدی بازی را شروع می‌کند. بازیکن دوم باید یک مهره بگذارد که یک طرف آن شش باشد. فرض کنید او شش-سه می‌گذارد. بازیکن سوم می‌تواند مهره‌ای بگذارد که یک طرف آن شش باشد یا مهره‌ای که سه داشته باشد. تصویر زیر کمی از ادامه‌ی بازی را نشان می‌دهد:



در واقع، هر بازیکن باید با مهره‌هایی بازی را ادامه دهد که بتواند به یکی از دو طرف مهره‌های چیده شده‌ی روی زمین بچسبد. اگر بازیکنی در نوبت خود نتواند از بین مهره‌های دست خود مهره‌ای را روی زمین بگذارد، نوبتش را از دست می‌دهد.

پایان بازی: بازیکنی برنده است که زودتر از دیگران تمام مهره‌هایش را روی زمین بچیند. امتیاز آن دست برای فرد برنده برابر با مجموع تمام اعداد روی مهره‌های باقی مانده در دست بقیه‌ی بازیکنان است.

این بازی را چند دست می‌توان انجام داد و برنده‌ی اصلی بازی کسی است که زودتر به ۱۰۰ امتیاز برسد.

توجه کنید که چون تعداد محدودی از هر عدد روی مهره‌های بازی هست (۸ تا)، می‌توان با دقت در مهره‌های روی زمین و با برنامه‌ریزی و راهبرد، کاری کرد که مهره‌هایی در دست دیگران بماند (مثلاً یک مهره‌ی جفت)، یا طوری بازی کرد که یکی از مهره‌های خودمان به صورت تضمین شده بتواند به‌عنوان آخرین مهره‌ی دست ما، روی زمین قرار گیرد و ما برنده‌ی آن دست شویم. ■

سازمان‌دهی و گرم و سرد کردن
بدن دانش‌آموزان در زنگ ورزش

يك، دو، سه، ورزش

درس‌ها دارد. نحوه‌ی جای‌گیری و استقرار دانش‌آموزان و معلم، نحوه‌ی مشاهده، درک و تجربه‌ی مهارت‌های حرکتی و الگوی حرکتی دریافت شده از هر دانش‌آموز را مؤثرتر می‌کند. سازمان‌دهی ماهرانه‌ی کلاس درس، هدفدار بودن آموزش هر محتوایی را برای دانش‌آموز و صحت آموزش و مفید بودن آن تضمین و از بروز بسیاری از موارد خطرزا هنگام فعالیت و تعامل با محیط و سایر دانش‌آموزان جلوگیری می‌کند.

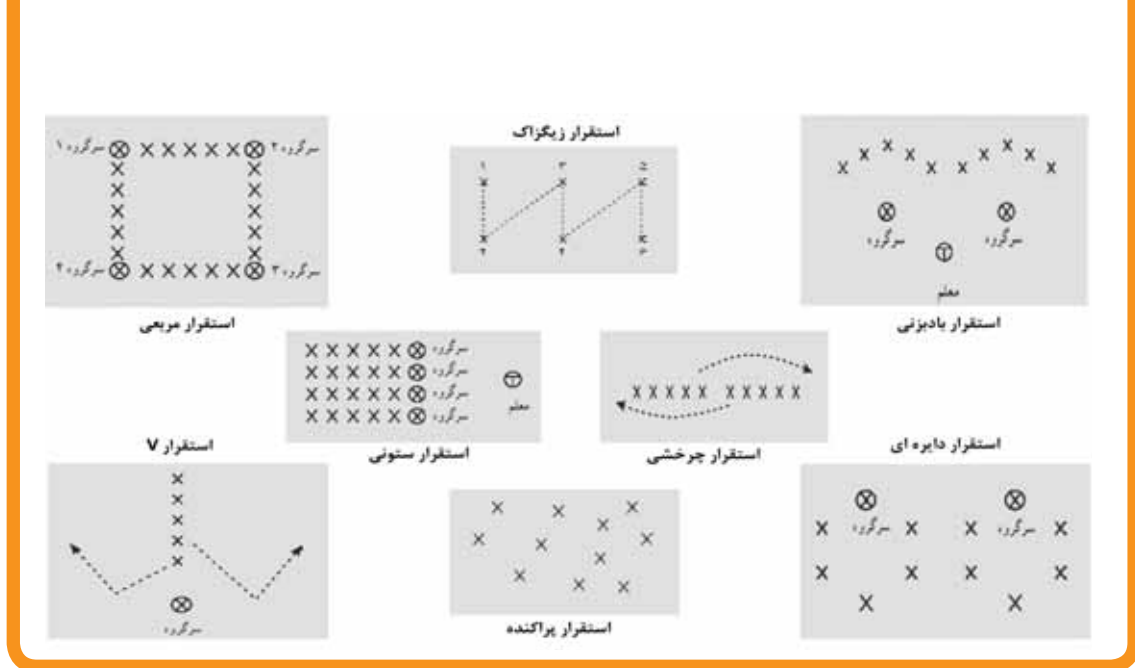
سازمان‌دهی

کلاس درس را می‌توان به شکل صمیمانه اما با کنترل شایسته هدایت کرد. مراحل تدریس در کلاس تربیت‌بدنی مستلزم سازمان‌دهی منحصر به خود است که معلم، براساس اهدافی که در هر مرحله دنبال می‌کند، می‌تواند آن را طراحی کند. معلم می‌تواند شروع و خاتمه‌ی مشخصی برای کلاس تعیین کند و دانش‌آموزان را عادت دهد در برابر محرک‌هایی از قبیل صدای معلم یا صدای سوت، به شکل دایره، گروه یا دسته بایستند و به صحبت‌های او گوش دهند. در سایر مراحل آموزش و پیاده‌سازی هدف اصلی، تمرین و بازی نیز می‌توان متناسب با اهداف هر جلسه، شیوه‌ی استقرار مناسبی را برای دانش‌آموزان پیش‌بینی کرد. محدودیت‌های بسیاری مانند فضا، تجهیزات و تراکم بالای دانش‌آموزان، نحوه‌ی سازمان‌دهی دانش‌آموزان را در کلاس درس تربیت‌بدنی تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، باید تدابیری مانند گروه‌بندی دانش‌آموزان را اتخاذ کرد تا بتوان از تمام امکانات موجود به بهترین شکل استفاده کرد. گروه‌بندی دانش‌آموزان و استفاده از سرگروه، معلم را قادر می‌سازد گروه‌ها را در فضای مشخصی به گردش درآورد و به کار آنها به‌طور مؤثری نظارت کند^۱. سازمان‌دهی دانش‌آموزان برای گرم کردن، سرد کردن،

باشند تا فرایند یاددهی یادگیری به بهترین شکل ممکن جریان یابد. یکی از مهم‌ترین عناصر طراحی آموزشی در هر جلسه‌ی آموزش تربیت‌بدنی در مدارس، نحوه‌ی سازمان‌دهی دانش‌آموزان در محیط یادگیری است. محیط آموزش درس تربیت‌بدنی، با توجه به عملی بودن این درس، تفاوت‌های بسیاری با سایر

درس تربیت‌بدنی در دوره‌ی ابتدایی اهداف متفاوتی را در سه حوزه‌ی یادگیری شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی دنبال می‌کند. برای دستیابی به اهداف درس تربیت‌بدنی در دوره‌ی ابتدایی، آموزگاران علاوه بر داشتن محتوای آموزشی و فضا و تجهیزات ورزشی مناسب و کافی، باید طراحی آموزشی مناسبی نیز داشته





تنه به خوبی با تمرینات متنوع و به صورت تدریجی برای تمرینات اصلی آماده شوند. مدت زمان اختصاص داده شده به مرحله گرم کردن ۸ تا ۱۲ دقیقه است و بهتر است همراه با شعر باشد.

پس از پیاده سازی هدف اصلی در مراحل تدریس یک جلسه کلاس تربیت بدنی (آموزش، تمرین و بازی)، ضربان قلب و تنفس دانش آموزان به اوج خود رسیده است. رها کردن دانش آموزان در چنین شرایطی بسیار آسیب زننده است. در این مرحله، باید بدن دانش آموزان با توجه به مدت، شدت و دمای هوای محیطی که در آن فعالیت می کردند، با محوریت عضلات و مفاصلی که بیشتر درگیر بودند، به آرامی به حالت اولیه برگردد و به اصطلاح سرد شود. فعالیت هایی مانند راه رفتن های آرام، نفس گیری های عمیق و انجام حرکات کششی می تواند کمک مؤثری در کاهش ضربان قلب، تنفس و حرارت بدن باشد. مدت زمان این مرحله نیز بین ۵ تا ۱۰ دقیقه است که می تواند با جمع بندی فعالیت های انجام شده در هر جلسه و بیان تذکرات بهداشتی و ایمنی و تشویق دانش آموزان تلاشگر همراه باشد. ■

پی نوشت ها

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در خصوص روش های گروه بندی کلاس درس تربیت بدنی به کتاب راهنمای معلم درس تربیت بدنی دوره ابتدایی، صفحه های ۱۱ و ۱۳ مراجعه کنید. این کتاب از طریق آدرس <http://portal/home.php> قابل دسترسی است. ۲. پی نوشت ۱، ص ۱۲ و ۱۳.

بخش گرم کردن عمومی و اختصاصی است، بخش بسیار مهمی از کلاس درس تربیت بدنی محسوب می شود. در واقع، گرم کردن اولین گام برای شروع هر گونه فعالیت بدنی و ورزشی است که برای کاهش احتمال آسیب و ایجاد بستر برای دستیابی به نتایج و اهداف فعالیت کارساز است. معلمان باید توجه داشته باشند که مرحله گرم کردن نیز مانند سایر مراحل تدریس به طور مستقیم تحت نظارت و راهبری آنان انجام پذیرد. فرایند گرم کردن دانش آموزان به عواملی مانند مدت زمان فعالیت آنان، دمای هوای محیطی که در آن فعالیت می کنند و نوع فعالیتی که به آن می پردازند بستگی دارد. گرم کردن عمومی بدن شامل انواع راه رفتن ها، دویدن ها و پریدن هاست که باید به صورت نرم و آهسته انجام پذیرد و اندکی ضربان قلب دانش آموزان را بالا ببرد. باید به این نکته توجه کرد که انجام حرکات ناگهانی و سرعتی در این مرحله می تواند زمینه ساز بروز آسیب های ورزشی در دانش آموزان، به ویژه در سنین ابتدایی، باشد. پس از گرم کردن عمومی نیاز است عضلات و اندام هایی که بیشتر در فعالیت های اختصاصی هدف آموزشی هر جلسه درگیرند، با تمرینات متنوع و زمان بندی کوتاه به صورت ویژه گرم شوند. به طور مثال، اگر هدف آموزش یک جلسه درس تربیت بدنی، آموزش مهارت پریدن باشد، بهتر است عضلات و مفاصل پایین

آموزش، بازی و تمرین وقت زیادی را تلف می کند، از این رو، باید در شروع سال تحصیلی به دانش آموزان یاد داد که هنگام فرمان معلم به سرعت به شکل دلخواه قرار گیرند. در این خصوص، ثبات رفتار و رویه ی معلم کمک می کند دانش آموزان احساس امنیت کنند و برای روبه رو شدن با تجربیات جدید آماده باشند. برخی از اشکال استقرار دانش آموزان عبارتند از: یادبازی، ستونی، دایره ای، گردشی، زیگزاگ، شکل V، مربع و پراکنده که هر یک برای مراحل گوناگون تدریس قابل استفاده است.^۲

گرم کردن و سرد کردن

در فرایند سه مرحله ای تدریس تربیت بدنی یک جلسه ی ۴۵ دقیقه ای شامل سه مرحله ی آمادگی، پیاده کردن هدف و مرحله ی بازگشت به حالت اولیه است. هر یک از این مراحل در دستیابی به اهداف هر جلسه ی آموزشی اهمیت بسیاری دارد و الزاماً باید به ترتیب اجرا شود. توجه ویژه به هر سه مرحله در فرایند تنظیم طرح درس، علاوه بر هدایت صحیح دانش آموزان در مسیر دستیابی به هدف، از احتمال بروز آسیب های ورزشی نیز جلوگیری می کند.

مرحله ی آمادگی شامل دو بخش آمادگی سازمانی (حضور و غیاب، تعویض لباس و تذکرات لازم به دانش آموزان) و آمادگی بدنی است. آمادگی بدنی که شامل دو



بلوغ و ورزش

رشد و تکامل انسان دارای مراحل است که برخی از آن‌ها اهمیت خاصی دارند و به عنوان نقطه‌ی عطفی در زندگی از آن‌ها یاد می‌شود. بلوغ یکی از این مراحل است؛ دوره‌ای بین کودکی و بزرگسالی که در بروز تغییرات دینامیک در مغز و غدد بدن، باعث تغییرات جسمانی، روانی و رفتاری می‌شود.

اهمیت ورزش و فعالیت بدنی در دوره پیش از بلوغ و هنگام بلوغ

در مورد نقش ورزش و فعالیت بدنی در کودکان و نوجوانان تحقیقات متعددی انجام شده است. در این تحقیقات، با تأیید تأثیر مثبت ورزش بر توسعه‌ی آمادگی جسمانی و شادابی و نشاط در کودکان و نوجوانان مشخص شده، کودکان و نوجوانانی که به ورزش و فعالیت‌های بدنی روی می‌آورند، علاوه بر اینکه انعطاف بدنی بیشتری دارند و در زندگی روزانه فعال‌تر عمل می‌کنند، از پیشرفت تحصیلی بیشتری نیز برخوردارند. انجام تمرین‌های منظم و فعالیت‌های بدنی به کودکان و نوجوانان کمک می‌کند استخوان‌ها، عضلات و مفاصل سالم و تناسب بدنی و وزن مناسب داشته باشند، عملکرد قلب و ریه‌ی خود را ارتقا دهند. این کار در توسعه‌ی هماهنگی حرکتی نقش بسزایی دارد. همچنین، ورزش و تحرک بدنی مهارت‌های تخصصی ورزشی را در کودکان و نوجوانان شکل می‌دهد و بالفعل شدن استعدادهای ورزشی آن‌ها را در پی دارد.

انجام ورزش و فعالیت بدنی، علاوه بر اینکه به تکامل جسمانی و حرکتی کودکان کمک

می‌شود. همچنین، کوتاهی قد، چاقی و خطر ابتلا به ناهنجاری‌های ساختارقامتی همچون پشت گرد که به علت احساس خجالت از تغییرات جسمانی در بین دختران شایع است، از عمده‌ترین مسائل و مشکلات جسمانی کودکان در بلوغ زودرس است.

در بلوغ زودرس کودک بعد از بلوغ زود هنگام جسمانی، تا زمانی که به بلوغ اجتماعی برسد، با خلأ زمانی پنج تا شش ساله‌ای مواجه می‌شود و از آنجا که نمی‌تواند بین تمناهای غریزی و عقلانی خود توازن برقرار کند، ممکن است بلغزد و به سمت رفتارهای پرخطر و انحرافات جنسی کشانده شود. به همین دلیل، در همه‌ی جوامع از بلوغ زودرس به عنوان آفتی یاد می‌شود که نیازمند توجه جدی و هوشیاری متخصصان تعلیم و تربیت، معلمان و والدین است تا ضمن فراهم آوردن برنامه‌های آموزشی و تربیتی مناسب، کودک را در گذر از این مرحله بحرانی یاری کنند.

والدین و معلمان می‌توانند با ترغیب کودکان به انجام فعالیت بدنی و شرکت دادن آن‌ها در گروه‌های ورزشی، در کنار سایر برنامه‌های آموزشی و تربیتی، فرصتی فراهم آورند تا ضمن ارتقای تندرستی و شادابی کودکان، از بروز بلوغ زودرس نیز پیشگیری شود.

زمان، فرایندها و نشانه‌های بلوغ در پسران و دختران متفاوت است. بلوغ معمولاً بین سنین «نه تا سیزده سالگی» در دختران و «یازده تا پانزده سالگی» در پسران اتفاق می‌افتد. اما براساس مشاهدات، برخی از نوجوانان، تحت تأثیر عواملی از جمله وراثت و محیط، گاهی زودتر از زمان معمول وارد دوران بلوغ می‌شوند. به این پدیده بلوغ زودرس گفته می‌شود که حتی اگر به دلیل عوامل ژنتیکی اتفاق افتد، عوامل محیطی، از جمله سبک زندگی کودکان، در بروز آن بسیار مؤثر است. طبق آمار، متأسفانه به دلیل کم تحرکی و تغذیه‌ی نامناسب، ۶ درصد از کودکان در سنین دبستان چاق می‌شوند و کودکان چاق به دلیل تجمع زیاد چربی در بدن بیشتر در معرض بلوغ زودرس قرار دارند.

در بلوغ زودرس، کودکی که هنوز آمادگی لازم برای ورود به دنیای نوجوانی را کسب نکرده و زودتر از موقع مقرر بالغ گردیده، با مسائل و مشکلات جسمانی، عاطفی و روانی متعددی مواجه است. برای نمونه، کودک در مقایسه‌ی تغییرات جسمانی خود با سایر همسالانش، فکر می‌کند بین آن‌ها جایی ندارد. همین امر زمینه‌ساز بروز مشکلات رفتاری همچون پرخاشگری و انزوای طلبی



بیشتر چربی در بدن، تا حدی سبب کاهش برخی توانایی‌های ورزشی آنان می‌شود و از رغبت و علاقه‌مندی آنان برای شرکت در فعالیت‌های بدنی و ورزشی می‌کاهد. از این‌رو اگرچه لزوم و اهمیت ورزش و تمرینات ورزشی برای هر دو جنس در سنین مختلف، به‌خصوص دوران پیش از بلوغ و بلوغ ضروری به نظر می‌رسد و مورد تأیید محققان است، اجرای برنامه‌های ورزشی و فعالیت بدنی ویژه‌ی دختران نیازمند توجه بیشتر و جدی‌تر است. نوجوانان سرمایه‌های ملی انسانی هر کشوری محسوب می‌شوند و توجه جدی به آموزش، پرورش و ورزش آنان از اولویت‌های اصلی نظام‌های آموزشی است. براساس بررسی‌های به عمل آمده، ۲۵ درصد جمعیت کشور ما را افراد ۱۰ تا ۱۹ سال تشکیل می‌دهند. این تعداد، افزودن بر ۱۶ میلیون نفر هستند. از این‌رو توجه به برنامه‌های آموزشی و پرورشی در حوزه‌ی سلامت کودکان و نوجوانان در ابعاد جسمانی، روانی، عاطفی، معنوی و اجتماعی از اولویت‌های جامعه‌ی کنونی ماست. ■

عضویت کودک و نوجوان در گروه‌های ورزشی از بروز حس انزوای جلوبگیری می‌کند و اعتماد به نفس را ارتقا می‌دهد

اجرای برنامه‌های ورزشی و فعالیت بدنی ویژه دختران نیازمند توجه بیشتر و جدی‌تر است

منابع

۱. گانینی، عباسعلی (۱۳۹۱). فیزیولوژی ورزشی کودکان. سمت. تهران.
۲. بهرام، عباس و همکاران (۱۳۸۱). نمو، بالیدگی و فعالیت بدنی. امید دانش. تهران.
۳. اصلاتی، محمدعلی و همکاران (۱۳۹۰). رشد حرکتی در طول عمر. علم و حرکت. تهران.
۴. قائمی امیری، علی (۱۳۸۸). دنیای بلوغ. انجمن اولیا و مربیان. تهران.

پرخاطر همچون رفتارهای خشونت‌بار و مصرف دخانیات نیز کمتر می‌شوند.

برای دستیابی به حداکثر رشد و نمو و پیشگیری از بلوغ زودرس و عواقب ناشی از آن، انجام فعالیت‌های ورزشی توأم با رعایت یک برنامه‌ی غذایی متعادل و مناسب در کودکان بسیار مورد تأکید است. توصیه می‌شود کودکان و نوجوانان در مرحله‌ی پیش از بلوغ و دوران بلوغ، روزانه به‌طور مستمر حداقل بین ۳۵ تا ۶۰ دقیقه ورزش و فعالیت بدنی انجام دهند. البته برنامه‌های ورزشی کودکان باید با در نظر گرفتن علاقه‌مندی و استعدادهای فردی و نیازهای تربیتی انتخاب شوند تا بیشترین نتایج را در پی داشته باشند.

در دوران کودکی و قبل از بلوغ، ظرفیت انجام فعالیت‌های ورزشی در دختران و پسران کاملاً با یکدیگر قابل مقایسه است، اما با پیشرفت مراحل بلوغ، تغییرات و واگرایی چشمگیری بین دو جنس آشکار می‌شود. در این دوران، گسترش توانایی‌های جسمانی در پسران نسبت به دختران چشمگیرتر است. از این‌رو علاقه‌مندی و رغبت به انجام فعالیت‌های بدنی در پسران بیشتر می‌شود، در حالی که در دختران تجمع

می‌کند، در تکامل روانی و شکل‌گیری شخصیت کودک و نوجوان نیز مؤثر است. انجام ورزش مناسب و چشیدن طعم شکست و پیروزی در ورزش باعث افزایش ظرفیت شخصیتی فرد می‌شود، تحمل او را در برابر مشکلات زندگی بیشتر می‌کند و به پیشگیری و تنظیم اضطراب و افسردگی در او کمک می‌کند.

بازی‌ها و ورزش‌های گروهی یکی از ظرفیت‌های موجود برای انجام فعالیت‌های بدنی در کودکان در مرحله‌ی پیش از بلوغ و بلوغ است. شرکت کودکان و نوجوانان در بازی‌ها و ورزش‌های گروهی به آن‌ها فرصت می‌دهد لذت موفقیت، مشارکت و اتحاد جمعی را احساس و خودباوری و اتکا به نفس پیدا کنند.

همچنین، عضویت کودک و نوجوان در گروه‌های ورزشی از بروز حس انزوای جلوبگیری می‌کند و اعتماد به نفس را ارتقا می‌دهد. احساس شادمانی و نشاطی که در محیط ورزشی وجود دارد، باعث خودکنترلی نوجوانان می‌شود و از لحاظ روانی به آن‌ها کمک می‌کند خلأ میان بلوغ جسمانی و بلوغ اجتماعی را به نحو مطلوب پر کنند و از خطرات آن در امان بمانند. رفتارهای

معلم بی معلم، ششم بی ششم

قبل از مهر
برنامه‌ریزی جدی

به سفر نرفتیم، فقط چون پسرم مجبور می‌شد درست سه روز وسط مهرماه را به مدرسه نرود. قبل از شروع مدرسه‌ها، از مدیر برای سفر در مهر اجازه‌ی پسر را خواستیم، سرزنش کرد که: «اصلاً به حساسیت این پایه فکر کرده‌اید! می‌دانید کلاس ششم یعنی چه؟!»

مهرماه
خبر بد

داشتن معلم بداخلاق در آخرین سال دوره‌ی ابتدایی و شروع دوره‌ی بلوغ، بدترین خبر ممکن بود.

کاش مدرسه‌اش را عوض کرده بودم!

اینم معلمه ما داریم؟ آخه چرا اینقدر پیره!

آبان ماه
خبر خوب

مامان، چقدر باید درس بخونم تا دکتر شم؟ می‌خوام گلوی خانممون رو خوب کنم.

فردا میام معلمت رو می‌بینم و از اون دلیل این سرعت رو می‌پرسم.

ظاهراً اوضاع داشت بهتر می‌شد. پسرم با معلمش کنار آمده بود، اما نمی‌دانم چرا درس‌هایشان این‌همه جلو بود؛ تقریباً داشتند به نیمه‌ی کتاب می‌رسیدند.

آذرماه
خبر بد

مامان بدبخت شدیم! خانممون یک ماه دیگه باز نرفته می‌شه.

شاید اشتباه می‌کنی پسر. اون وسط سال شما رو این‌طوری ول نمی‌کنه! تازه، من می‌دونم مدیرتون چقدر به پایه‌ی ششم حساسه!

ته دلم اما می‌ترسیدم. دلیل جلو‌جلو درس خواندنشان را پیدا کرده بودم.

هفته‌ی اول دی ماه
شکایت مادرانه

حدود سه روز بود که بچه‌ها معلم نداشتند. با مادرها گروهی تلگرامی تشکیل دادیم.

هفته‌ی دوم دی ماه
تلگرام مادرانه

در حالی که تعداد دانش‌آموزان کلاس ۳۵ نفر بود، حدود ۶۲ نفر عضو داشتیم. مادرهای دو کلاس ششم دیگر هم عضو شده بودند و برایمان استیکر می‌گذاشتند! بچه‌ها دلشان نمی‌خواست به مدرسه بروند. از کلاس‌داری ناظم خسته می‌شدند.

هفته‌ی دوم دی
دوره‌ی مادرانه

یک هفته از بی‌معلم شدن بچه‌ها می‌گذشت. بچه‌ها دو روز درمیان به مدرسه می‌رفتند. گاهی فقط ۱۵ نفر در کلاس بودند. مادرها اعصابشان به هم ریخته بود. مدام گله و شکایت می‌کردند:





هفته‌ی دوم دی معلمی ناظم

ناظم درس‌ها را چنان پیش برد که بچه‌ها باز هم از دو کلاس ششم دیگر جلو افتادند. بچه‌ها در کلاس از روی درس‌ها روخوانی می‌کردند و ناظم سؤال‌ها و جواب‌ها را به آن‌ها می‌داد تا حفظ کنند و برای امتحان آماده شوند. از قرار معلوم بین نمونه سؤال‌هایش سؤال‌های مدارس خاص را هم گنجانده بود! مادرها اما هنوز ناراضی بودند.

هفته‌ی سوم دی خبر خوب، اما بد

معلم جدید آمد. بعد از حدود ۱۳ روز بی‌معلمی، معلم جدید در حالی آمد که به اجبار پذیرفته بود معلم ششم بشود. او که تا دیروز در مدرسه‌ای دیگر مشاور بود، امروز قرار بود معلم ششم این مدرسه باشد!

هفته‌ی چهارم دی بیزاری بچه‌ها

مادرها خوش حال که بچه‌ها معلم‌دار شده‌اند و بچه‌ها ناراحت که دوره‌ی غیبت از مدرسه و خوش گذرانی تمام شده است. معلم جدید کلاس را در حالی تحویل گرفت که یک هفته به امتحانات ترم اول مانده بود. او هم سنگ تمام گذاشت و چون بچه‌ها عقب نبودند، تا می‌توانست نمونه سؤال امتحانی داد تا برای امتحان کاملاً آماده باشند! البته ساعت‌های قرآن و ورزش هم به ریاضی اختصاص یافته بودند. تمرین پشت تمرین حل می‌شد.

هفته‌ی اول بهمن باز هم خبر بد

معلم جدید که معلوم بود آمادگی تدریس ندارد، مریض هم بود. هنوز ده روز از آمدنش نگذشته بود که به خاطر درد کمر در بیمارستان بستری شد. دوباره روز از نو و روزی از نو. طفلک ناظم باز هم شد معلم.

هفته‌ی دوم بهمن امتحانات

اواخر هفته معلم آمد. نباید خیلی سرپا می‌ایستاد. بچه‌ها هم دیگر خودبه‌خود می‌دانستند و به سؤال‌ها و پلی‌کی‌های معلم جواب می‌دادند. امتحانات برگزار شدند و بچه‌ها انگار نمانگار که امتحان داده باشند. امتحان برایشان عادت شده بود!

اسفند و فروردین استراحت و زندگی

عذر هر دوی این ماه‌ها مشخص است. بچه‌ها تمام اسفند را در انتظار عیدند و تمام فروردین را با خاطره‌ی عید سر می‌کنند.

اردیبهشت ماه باز هم استراحت

وقتی قرار باشد دانش‌آموزان فقط روخوانی کنند و بعد به سؤال‌های آماده و جواب‌های از پیش تعیین‌شده برسند، درس خواندن که زمان چندانی نمی‌پرد! و البته ارزشیابی توصیفی هم ماهیتش را از دست می‌دهد. تنها چیزی که ما ندیدیم، کاربردی بودن آموزش بود. بچه‌ها در کلاس بی‌کار بودند و حتی گاهی فیلم هم می‌دیدند.

خرداد ماه کارنامه‌های عالی

امتحانات برگزار شدند. مدرسه همکاری کرد و کارنامه‌های بچه‌های قوی و ضعیف پر شد از بسیار خوب تا حداقل برای ثبت نام سال بعد مشکل نداشته باشند!! و به این ترتیب، مشکل مخفی شد تا خدا می‌داند کجا زخمش سر باز کند!

چند سؤال اساسی

آیا باز نرسیده شدن معلم پایه وسط سال تحصیلی قانونی است و اگر بله، چه تدابیری برای آن اندیشیده شده است؟
آیا کتاب‌های درسی جدید بر این اساس تنظیم شده‌اند که تنها دانشی را بدون هیچ کاربردی در عمل آموزش دهند؟
آیا پایه‌ی ششم سال حل تمرین‌های فراتر از کتاب درسی به منظور جور کردن کارنامه‌هایی بسیار خوب برای ورود به مدارس نمونه، تیزهوشان و غیردولتی است؟
آیا این ده بیست روز وقفه‌ی آموزشی بهترین فرصت برای ورزش نوجوانی در ابتدای بلوغ نبود؟ آیا مادرها در شرایط پیش‌آمده و سن حساس بچه‌های ششم از لحاظ بلوغ، ورزش را بهترین گزینه می‌دانستند؟
حساسیتی که برای پایه‌ی ششم از آن حرف می‌زنند، با در نظر گرفتن کدام مورد رعایت شده است؟ توجه به بحران بلوغ، گزینش معلم ماهر، برنامه‌ریزی درست، کاربرد آموخته‌ها در عمل یا شاید هم گزینه‌ی پنجم یعنی «بسیار خوب»‌های مصلحتی برای ورود به متوسطه‌ی اول!

پای صحبت مهندس عبدالحسین نفیسی عضو شورای تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش آموزش ابتدایی با کیفیت مطمئن‌ترین راه توسعه‌ی پایدار کشور

مشارکت در طراحی نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای / مشارکت در تدوین لایحه‌ی نظام آموزش عالی کشور / مشارکت در طرح‌های اعتلای کیفیت هويت کارشناس پژوهشگر / عضویت در هیئت تحریریه‌ی فصل‌نامه‌ی تعلیم و تربیت / مسئول گروه پژوهشی اقتصاد و برنامه‌ریزی توسعه آموزش پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت

اسامی برخی از کتاب‌ها:

- آموزش و پرورش در ژاپن و استرالیا، تألیف، سازمان برنامه / ۱۳۶۶
- دانشنامه‌ی اقتصاد آموزش و پرورش (چهار جلد). ترجمه و تدوین / پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت / ۱۳۸۰ - ۱۳۸۲
- طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، تدوین، وزارت آموزش و پرورش ستاد اجرایی تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش / ۱۳۶۷
- کلیات نظام جدید آموزش متوسطه، تدوین، وزارت آموزش و پرورش / معاونت متوسطه / ۱۳۷۰
- آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در قرن بیست و یکم، ترجمه، پژوهشکده تعلیم و تربیت / ۱۳۸۲

عبدالحسین نفیسی، متولد سال ۱۳۱۶، اصفهان

- تحصیلات ابتدایی و متوسطه در شهر اصفهان
- ۱۳۳۵، ورود به دانشکده‌ی کشاورزی
- ۱۳۴۱، کار در سازمان برنامه به‌عنوان حشره‌شناس
- ۱۳۴۴، اشتغال در واحد کار و نیروی انسانی سازمان برنامه و بودجه
- تحصیل در دانشکده‌ی تعلیم و تربیت، برکلی آمریکا، دوره دکتری
- رها کردن تحصیل همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی و بازگشت به میهن و بازماندن از تدوین رساله‌ی دکتری
- ۱۳۵۷، بازگشت به ایران و اشتغال مجدد در سازمان برنامه و بودجه
- ۱۳۵۹، عضویت در شورای هماهنگی آموزش فنی و حرفه‌ای کشور
- عضویت در شورای تغییر بنیادی و تدوین طرح‌ها و برنامه‌های انقلابی وزارت آموزش و پرورش به‌عنوان نماینده‌ی سازمان برنامه و بودجه

بعضی از فعالیت‌های دیگر: شرکت در برنامه‌ی تربیت کارشناسان

تازه‌وارد با عنوان موقعیت یادگیری تازه / مشارکت در برنامه‌های تغییر نظام آموزشی / عضویت در شورای تغییر بنیادی آموزش و پرورش / مشارکت در طراحی و اجرای برنامه‌ی نظام جدید آموزشی متوسطه /

«اگر می‌خواهیم به توسعه‌ی پایدار برسیم، باید به آموزش‌های ابتدایی که به کودکان می‌دهیم توجه خاصی داشته باشیم، چون این آموزش‌ها شهروند مناسب توسعه‌ی پایدار را تربیت می‌کنند.» این را مهندس عبدالحسین نفیسی می‌گوید. کسی که تا دوره‌ی دکترای دانشگاه برکلی آمریکا و در رشته‌ی اقتصاد آموزش و پرورش و برنامه‌ریزی توسعه‌ی آموزش تحصیل کرده است و پس از آن، هم‌زمان با انقلاب اسلامی، به ایران بازگشته است. پس از آن هم به‌عنوان نماینده‌ی سازمان برنامه در تمام شوراهای در سطح ملی که برای تحول در آموزش و پرورش تشکیل شدند، مشارکت داشته است. نفیسی که از مباحث توسعه به آموزش و پرورش رسیده، معتقد است برای رسیدن به توسعه‌ی پایدار، آموزش ابتدایی با کیفیت راه مطمئنی است.

● تعریف شما از توسعه چیست؟

توسعه مفهوم جدیدی است که با ورود به قرن ۲۰ و پیشرفت سریع فناوری در همه‌ی زمینه‌ها و کشورگشایی‌ها و فعالیت‌های سلطه‌طلبانه‌ی کشورهای غربی شکل گرفت. در واقع، توسعه از نفوذ شدید فناوری در همه‌ی فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع برخاسته است. ابتدا با مباحث اقتصادی، با عنوان رشد اقتصادی، شکل گرفت، طوری که رشد اقتصادی دلیل توسعه‌یافتگی کشورها تلقی می‌شد. بعد از مدتی این تعریف به جنبه‌های اجتماعی هم تعمیم پیدا کرد؛ مثل مسائل آموزشی و بهداشتی. به این ترتیب، شکل جامع‌تری به تعریف اولیه که فقط مبتنی بر اقتصاد بود داده شد.

این زمان تقریباً با پایان جنگ جهانی دوم متقارن است که کشورهای درگیر جنگ، با برنامه‌ای خاص از سوی آمریکا حمایت شدند و در آن‌ها برنامه‌هایی پیاده شدند که توسعه‌ی اقتصادی بیشتری را به توسعه‌ی اجتماعی و فرهنگی را هم تقویت می‌کرد. آن زمان در ایران این نوع برنامه‌ها را با عنوان برنامه‌های عمرانی ترجمه کرده بودیم. در سال ۱۳۲۷ جزو اولین کشورهای جهان سوم بودیم که برنامه‌های توسعه را مدون کردیم و به تصویب رساندیم. برنامه‌های هفت‌ساله‌ی اول و دوم و سپس برنامه‌های پنج‌ساله‌ی سوم و چهارم و پنجم در قبل از انقلاب اجرا شدند. البته این برنامه‌ها بیشتر در زمینه‌ی اقتصادی بودند. در برنامه‌ی اول آموزش خیلی کم است و تا حدی آموزش‌های مهندسی و فنی و حرفه‌ای مطرح‌اند. در برنامه‌ی دوم آموزش فنی و حرفه‌ای پررنگ‌تر می‌شود و کمی

هم آموزش‌های دانشگاهی بروز پیدا می‌کنند. در برنامه‌ی سوم آموزش معنی پیدا می‌کند و فصلی به آن اختصاص داده می‌شود. در برنامه‌ی چهارم آموزش کاملاً شناخته می‌شود. به این ترتیب، به تدریج از مباحث اقتصادی وارد مباحث اجتماعی و فرهنگی شدیم.

بعد از انقلاب، هم در ایران و هم در جهان، مباحث توسعه شکل دیگری پیدا کرد و توسعه‌ی پایدار نام یافت. توسعه‌ی پایدار یعنی توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی جوامع در همه‌ی زمینه‌ها، به‌طوری که توسعه‌ی درون‌زا و پایداری ایجاد کند نه متکی بر پروژه‌های متفرق، بلکه به شکل شبکه‌ی پروژه‌هایی که با هم ارتباط دارند.

مبحث توسعه‌ی پایدار به تدریج کامل‌تر شد و جنبه‌های قوی‌تری مثل مباحث محیط زیست، گرم شدن زمین، مبارزه با ناهنجاری‌های اجتماعی مانند اعتیاد و حاشیه‌نشینی و حفاظت از آب و خاک به آن اضافه شدند. در واقع، نگاه‌های بلندمدت‌تری بر مباحث توسعه حاکم شدند، طوری که این نگاه بلندمدت به سرنوشت بشر گره خورد. به تدریج مفهوم توسعه از کارهای فیزیکی منفصل از هم - مثل ساختن بند و راه و کارخانه - وارد مقوله‌های اجتماعی و حالا وارد تمام جنبه‌های زندگی بشری شده و به آینده‌ی بشر معطوف است.

● نقش آموزش ابتدایی در توسعه‌ی کشور چیست؟

هرچه به توسعه جامع‌تر نگاه کنیم، آموزش‌های پایه اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. به همین دلیل، وقتی برنامه‌های توسعه فقط به ساختن راه و ایجاد کارخانه و فعالیت‌های عمرانی مربوط می‌شود، ما به آموزش‌های زودبازده مثل فنی و حرفه‌ای احتیاج پیدا می‌کردیم.

چرا که نیاز داشتیم نیروهایی را تربیت کنیم که بتوانند با دستگاه‌ها کار کنند. اما وقتی یک قدم جلوتر آمدیم و خواستیم به مباحث عمیق‌تری مثل توجه به بهداشت، آموزش و مسائل شهری بپردازیم، این افق کمی دورتر شد و ما به تربیت معلم و به تحصیل‌کردگان دانشگاهی احتیاج پیدا کردیم.

وقتی قدم را از این هم فراتر بگذاریم و به توسعه‌ی پایدار برسیم، باید به آموزش‌های ابتدایی که به کودکان می‌دهیم توجه خاصی داشته باشیم، چون این آموزش‌ها شهروند مناسب توسعه‌ی پایدار را تربیت می‌کنند که می‌تواند کشور را در جهت توسعه پیش ببرد تا با هزینه‌ی کمتری اداره شود. ما این‌گونه شهروندان را باید قبل از ورود به مدرسه و سال‌های ابتدایی ورود به مدرسه تربیت کنیم. شهروندی که مسئول است و می‌داند چه وظایفی دارد. دانش‌آموزی که می‌داند خودش مسئول تمیز کردن مدرسه است، یا اگر آسیبی به

هم‌نوعش برساند، میدان را باز کرده است که به خودش آسیب شدیدتری برسد. دانش‌آموزی که می‌داند اگر بخواهد به آنچه مورد علاقه‌اش است برسد، باید بر چه درس‌هایی تمرکز کند. همه‌ی این‌ها را دانش‌آموز باید در کودکی و دوره‌ی ابتدایی درک و با آن زندگی کند. نه به صورت آموزشی و حفظی، بلکه در عمل باید یاد بگیرد. این موضوع بیشتر جنبه‌ی پرورش دارد تا آموزش. چیزهایی است که باید در دانش‌آموز به صورت خلق و خو دربیاید. این نوع آموزش فرد را برای توسعه‌ی پایدار همه‌جانبه، توسعه‌ای که در اقتصاد مقاومتی رهبری یا سیاست‌های کلی برنامه‌ی ششم توسعه آمده - آماده و تربیت می‌کند. این آموزش بیشتر جنبه‌ی خودیادگیری دارد، چون سرعت تغییرات در علوم و فنون آن قدر زیاد است که آن‌ها را در مدرسه و کلاس و ساعات معین نمی‌توان تعلیم داد. فرد وقتی وارد جامعه می‌شود باید قدرت خودیادگیری داشته باشد و آن آموزش‌ها را از محیط کسب کند تا بتواند فرد مناسبی برای توسعه باشد.

چنین فردی باید بتواند قابلیت انتخاب کردن و قدرت تمیز داشته باشد، چون در زندگی روزمره‌اش با انتخاب‌های متعدد روبه‌روست. پس باید بداند اطلاعات صحیح را از کجا به دست بیاورد، چطور آن‌ها را پردازش کند و نفع و ضرر خود را به کمک آن‌ها تشخیص دهد. این انسان فردی است که ما در دوره‌ی ابتدایی باید تربیت کنیم. فردی مسئول که هم خودش را دوست دارد و هم محیط اطراف و افرادی را که در جامعه با آن‌ها سر و کار دارد.

باید بتواند با همه ارتباط برقرار کند، به دیده‌ی احترام به همه نگاه کند و تفاوت آن‌ها را تشخیص دهد. ضمن اینکه تفاوت آن‌ها را به ضرر خودش تلقی نکند، بلکه فرصتی تلقی کند تا بتواند در جامعه زندگی کند.

تربیت چنین فردی به عهده‌ی آموزش ابتدایی است. اگر ما در دوره‌ی ابتدایی موفق نشویم این خصوصیت را در دانش‌آموزان ایجاد کنیم، در سنین بالاتر با هزینه‌ی خیلی بیشتر و با نتیجه‌ی کمتر موفق می‌شویم. حتی برخی ویژگی‌ها را دیگر اصلاً نمی‌توانیم ایجاد کنیم. در نتیجه، آموزش ابتدایی فرصتی

باید به آموزش‌های ابتدایی توجه خاصی داشته باشیم. چون این آموزش‌ها است که شهروند مناسب توسعه‌ی پایدار را تربیت می‌کند

است که ما با هزینه و صرف وقت کم می‌توانیم خصیصه و خلیقاتی را که مورد نیاز توسعه‌ی پایدار است در دانش‌آموز ایجاد کنیم.

به عبارت دیگر، آموزش ابتدایی برای ما هم سرمایه‌ی انسانی - به معنای اقتصادی آن - درست می‌کند و هم سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی. اگر آموزش ابتدایی با کیفیت باشد، بقیه‌ی آموزش‌ها با کیفیت بالاتر و هزینه‌ی کمتری صورت می‌گیرند.

من از آموزش ابتدایی دفاع می‌کنم که با کیفیت است و می‌تواند توسعه‌ی پایدار را برای ما به همراه داشته باشد. ابتدا باید توجه عموم را به این موضوع جلب کنیم که آموزش ابتدایی می‌تواند چه خدمتی به توسعه‌ی کشور بکند. سپس با سرمایه‌گذاری مناسب معلمانی را تربیت کنیم که با طبع این آموزش آشنا باشند.

● ویژگی‌هایی که هر ایرانی باید برای توسعه‌ی پایدار داشته باشد چه ویژگی‌هایی هستند؟

اولین نکته این است که زبان فارسی و حساب کردن را در حد نیازهای روزمره بداند. ما اگر فارسی را در زمینه‌ی خواندن، نوشتن و بیان کردن خوب آموزش ندهیم، دانش‌آموزان در آینده نمی‌توانند مقصود خود را بیان کنند. شرایط اصلی ارتباط با محیط این است که فرد خودش را به محیط بشناساند. فردی که نتواند منویات خود را بیان کند، به‌صورتی که معاشرانش او را خوب بفهمند، چنین فردی مزاحم توسعه است نه مدافع آن.

پس از آن خودآموزی است. یعنی فرد باید خودش معلم خودش باشد و نیازهایش را از طریق خودآموزی برطرف کند. این خصلتی است که با آزادی عمل دادن به دانش‌آموزان برای پرداختن به مباحث مورد علاقه‌شان ایجاد می‌شود. ما باید آزادی عمل و امکانات را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهیم تا بتوانند چیزهای جدید خلق کنند و به مفهوم جدید برسند و آنچه را ما به آن‌ها آموزش داده‌ایم در ذهن خود ملکه کنند. خصیصه‌ی بعدی نظم و ترتیب و به دنبال آن برنامه داشتن است. دانش‌آموز باید این ویژگی را قبل از ورود به مدرسه یاد گرفته باشد و در مدرسه کامل شود. فرد باید وقت‌شناس باشد. قدر زمان را بداند، منظم باشد و قوانین مدرسه را رعایت کند. این موضوعات را نه به صورت دستوری، بلکه با به‌وجود آوردن انگیزه‌ی لازم در دانش‌آموز، از طریق بازی و کار گروهی، باید یاد داد.

مسئولیت‌پذیری و در مقابل آن دفاع از حق خود نکته‌ی بعدی است که باید به آن رسید. این دو به هم مربوط هستند. یعنی وقتی فرد مسئولیتی را می‌پذیرد، باید اختیاراتی هم داشته



باشد. این اختیارات ناشی از حقوقی است که به فرد تعلق می‌گیرند.

قدرت تفکر و تأمل و پرسشگری ویژگی دیگر است. بدترین کار در مدرسه این است که قدرت پرسشگری دانش‌آموزان را سرکوب کنیم. در حالی که تا پرسشی در ذهن کودک شکل نگیرد، فکر کردن هم تقویت نمی‌شود. این خصیصه، خلاقیت و تفکر خلاق را در فرد پایه‌گذاری می‌کند.

البته وقتی حرف از این مباحث پیش می‌آید، بیشتر به امکانات لوکس آزمایشگاهی و کارگاهی اشاره می‌کنند. اما تجربه نشان داده است که حتی در یک مدرسه‌ی بسیار مقدماتی مانند مدرسه‌ی سیار عشایری هم اگر معلمی به این مباحث توجه داشته باشد و انگیزه‌ی لازم را داشته باشد، می‌تواند افراد خلاق را که به درد ایران توسعه یافته می‌خورند تربیت کند. این موضوعی است که قبلاً در ایران هم آزمایش شده است. آموزش عشایری‌مان در قبل از انقلاب با رهبری مرحوم بهمن‌بیگی نوعی از آموزش ابتدایی در تراز توسعه بود. می‌توان معلمان را به کتاب‌های آموزنده‌ی ایشان ارجاع داد که از آموزش‌های بسیار موفق است.

در همان زمان آزمونی بین دانش‌آموزان ابتدایی مدارس شهری، روستایی و عشایری برگزار شد که اعتبار علمی بالایی داشت. در آن زمان عملکرد آموزش مدارس ابتدایی عشایری از دو نوع مدرسه‌ی دیگر بالاتر و موفق‌تر بود؛ در حالی که امکانات مدرسه‌ی عشایری یک چادر، یک بخاری و یک تخته سیاه بود.

مشکل ما در ایران این است که قدر آموزش ابتدایی را به هیچ‌وجه ندانستیم و هر جا که شده به آن ضرر رسانده‌ایم. اگر دوره‌ی ابتدایی معلم خوبی داشته، او را به دوره‌های بالاتر منتقل کرده‌ایم. یا اگر معلمی از فوق دیپلم به کارشناسی رسیده است به دوره‌های بالاتر فرستاده شده است. اگر آموزش

فردی که در دوره‌ی ابتدایی تربیت می‌کنیم، باید فردی خودیادگیر و مسئول باشد. بتواند با همه ارتباط برقرار کند. خودش را دوست بدارد و به دیدی احترام به همه نگاه کند

فردی که در دوره‌ی ابتدایی تربیت می‌کنیم، باید فردی خودیادگیر و مسئول باشد. بتواند با همه ارتباط برقرار کند. خودش را دوست بدارد و به دیدی احترام به همه نگاه کند

نگاهی به طرح‌های پیرامونی آموزش ابتدایی

موضوع این نوشتار بررسی کمی و کیفی طرح‌های اجرا شده در دوره‌ی ابتدایی است. لازم به ذکر است، تمامی طرح‌های اجرا شده مهم و ارزشمندند، ولی همیشه در مرحله‌ی توجیه و اجرا دچار مشکلات عدیده و فراوان می‌شوند که در نتیجه‌ی آن هدف غایی و ارزشی حاصل نمی‌گردد. همیشه به دنبال این پاسخ بوده‌ایم که این طرح و همه‌ی طرح‌های دوره‌ی ابتدایی، با وجود همه‌ی توجیهات و برنامه‌ریزی‌ها و همچنین پرداخت هزینه‌های زیاد، به بار نمی‌نشینند و آن پاسخی که در پی آن هستیم را ندارند.

چند سال اخیر شاهدیم که هیچ کدام از آن‌ها، آن‌طور که باید، به هدف غایی و ارزشمندی که در ذات خود داشته نرسیده است. برای مثال طرح‌های مجتمع‌های شهری، آداب و مهارت‌های زندگی (کرامت)، همیار پلیس، توصیفی و جابربن‌حیان.

با علم به اینکه همه‌ی طرح‌های نام‌برده در ذات خود ارزشمندند و هدفدارند و انسان‌ساز هستند، اما تا زمانی که نتوانند معلم را به‌عنوان مجری و اولیای دانش‌آموز را به‌عنوان رابط توجیه کنند و همچنین، نتوانند انگیزه‌ی کافی را به معلم بدهند، در مقام اجرا و عمل دچار مشکل می‌شوند، کلیت آموزش و پرورش را در راه رسیدن به اهداف عالیه زیر سؤال می‌برند و در عمل شاهد صرف هزینه‌های مادی و معنوی زیادی خواهیم بود که هیچ‌گونه بار تربیتی و آموزشی را در پی ندارند. ■

تصور می‌کنند و به رقابت می‌پردازند؛

۴. ارزشیابی و نظرسنجی نکردن از خود معلمان به‌عنوان مجریان طرح‌ها. انتظار می‌رفت بعد از انجام تمامی طرح‌های دوره‌ی ابتدایی، از خود معلمان دوره‌ی ابتدایی نظرسنجی شود تا کمبودها و نواقص طرح معلوم گردد و در اجرا و برنامه‌ریزی طرح‌ها نظر معلمان و کارشناسان هم اعمال شود تا طرح به نحو احسن برنامه‌ریزی و اجرا شود.

۵. وقت‌گیر بودن و تکیه‌ی زیاد بر کاغذ بازی بودن طرح‌ها. از آنجا که وقت معلمان دوره‌ی ابتدایی محدود و تعداد دانش‌آموزان در کلاس‌ها بسیار زیاد است، اجرای طرح وقت زیادی می‌خواهد و همیشه معلمان دچار کمبود وقت می‌شوند.

در نگاهی کلی به همه‌ی طرح‌های اجرا شده‌ی دوره‌ی ابتدایی در

به‌نظر بنده، به‌عنوان معلم ابتدایی، چند دلیل عمده را درباره‌ی موفق نبودن طرح‌های دوره‌ی ابتدایی می‌توان ذکر کرد:

۱. توجیه نشدن معلم به‌عنوان مجری طرح. در اجرای همه‌ی طرح‌ها شاهد بودیم که معلم ما همه‌ی کارها را بر عهده می‌گیرد و خود انجام می‌دهد و یا با نگاه سطحی و درحد رفع تکلیف و به اجبار به انجام طرح می‌پردازد. به این ترتیب، همیشه معلمان از کمبود وقت یا بیهوده بودن آن شاکی بوده‌اند و صرفاً برای رفع تکلیف به آن نگاه می‌کنند؛

۲. نبود تناسب بین زمان در نظر گرفته شده برای اجرای طرح‌ها و وقت کلاس، با توجه به جاری بودن طرح ارزشیابی توصیفی در چند سال اخیر؛

۳. نگرش اشتباه بیشتر معلمان دوره‌ی ابتدایی، آنان در اجرای طرح‌ها خود را در میدان مسابقه

● به آن‌ها فرصت بدهید مسائل را به شیوه‌ی خود حل کنند. این کار باعث می‌شود احساس قدرت کنند و از همه‌ی توان خود برای رسیدن به جواب درست استفاده کنند.

در نهایت به یاد داشته باشید، زمانی که دانش آموز اشتباه می‌کند، نحوه‌ی برخورد با او به مراتب از خود اشتباه مهم‌تر است. در این زمان عملکرد آموزگار می‌تواند در توانمندسازی یا تخریب توانایی دانش‌آموز تأثیر جدی داشته باشد. ■

منابع

۱. رابرت ایی اسلاوین. روان‌شناسی تربیتی. ترجمه‌ی یحیی سیدمحمدی. نشر روان.
۲. نیوشا باطنی و اسماعیل نودری. راهنمای تربیت صحیح کودکان. انتشارات عابد.
۳. علی اسماعیلی، بهمن ابراهیمی و سیاوش شایسته. روان‌شناسی اجتماعی. انتشارات شلاک.

اشتباهات درست!

آلبرت اینشتین می‌گوید: «کسی که هرگز اشتباه نکرده است نمی‌تواند اختراع تازه‌ای انجام دهد». به‌طور معمول، معلم‌ها اشتباه کردن را تقبیح و شاگردان را به هر وسیله از آن دور می‌کنند. به این ترتیب، به دانش‌آموزان یاد می‌دهند اشتباه را مانند شکست تلقی کنند و شکست را هم نابودی!

بیرون می‌آیند، تاب‌آوری را می‌آموزند و در آینده نیز افراد موفق‌تری خواهند شد. در اینجا لازم است در زمینه‌ی اشتباهات دانش‌آموزان و نحوه‌ی رویارویی با آن‌ها به چند نکته اشاره شود: ● دانش‌آموزان رانه به‌خاطر اشتباهاتشان، بلکه به‌خاطر تلاشی که برای برطرف‌سازی و حل آن‌ها می‌کنند تحسین کنید.

نکته‌ی شگفت‌آور در مورد اشتباهات این است که آن‌ها از همان ابتدا آموزنده‌اند. با این حال، ما آموزگاران همه‌ی تلاشمان را به‌کار می‌بندیم تا شاگردانمان اشتباه نکنند؛ غافل از اینکه اشتباه درس‌هایی در بطن خود دارد که در هیچ برنامه‌ی درسی گنجانده نشده است.

اگر قرار است به دانش‌آموزان یاد بدهیم از اشتباه خود بیاموزند، ابتدا باید نگرش آنان را نسبت به شکست تغییر بدهیم و به آن‌ها بیاموزیم «اشتباه‌ها فرصت‌هایی برای آموختن هستند».

برای مثال، از دانش‌آموزان بخواهیم برای پاسخ‌های اشتباه سؤال مناسب طرح کنند تا به این ترتیب پاسخ اشتباه، درست از آب دربیاید.

اگر از هر ده شکست پی‌درپی دانش‌آموزان فقط یک مورد هم موفق باشد، تأثیر بسزایی در یادگیری آن‌ها خواهد داشت. حتی به‌عنوان معلم می‌توانیم خاطرات خود را در مواجهه با اشتباهات زندگی و درسی با آن‌ها مطرح کنیم تا بدانند اشتباه بخشی از زندگی همه‌ی افراد است و فقط برای آن‌ها رخ نمی‌دهد.

به یاد داشته باشیم، دانش‌آموزانی که با چالش‌ها مواجه می‌شوند و از آن‌ها پیروز

● آنان را به چالش بکشید تا ببیندیشند و برای رفع مشکل ریشه‌های ناآگاهی را ترمیم کنند. برای آن دسته از دانش‌آموزان که فعال نیستند، مسائل بحث‌برانگیز و تفکرساز طرح کنید تا آن‌ها هم به چالش وارد شوند.



آموزش خواندن و درك مطلب با شیوه‌های خلاق

رشد و تکامل انسان دارای مراحل است که برخی از آن‌ها اهمیت خاصی دارند و به عنوان نقطه‌ی عطفی در زندگی از آن‌ها یاد می‌شود. بلوغ یکی از این مراحل است؛ دوره‌ای بین کودکی و بزرگسالی که در بروز تغییرات دینامیک در مغز و غدد بدن، باعث تغییرات جسمانی، روانی و رفتاری می‌شود. تدریس هنر است و معلم هنرمندی است که می‌تواند به کمک ابزارها، تجربه‌ها و ایده‌های خلاقانه‌اش، نقش خود را به خوبی در کلاس ایفا کند. یکی از وظایف تعلیم و تربیت، آموزش خواندن و درك مطلب است. در این میان، تسلط معلم بر اهداف کتاب بخوانیم و بنویسیم و آشنایی با روش‌های تدریس به تنهایی نمی‌تواند اثرگذار باشد. لذا اجرای برخی فعالیت‌های آموزشی، در عین سادگی آن‌ها، می‌تواند برای نیل به هدف گفته شده مؤثر باشد که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنم:

گفت‌وگوی شفاهی

ایجاد فضای گفت‌وگو در میان دانش‌آموزان و ترغیب آنان به بحث کردن، از مهم‌ترین فعالیت‌های زبان‌آموزی است؛ هرچه بیشتر با دانش‌آموزان گفت‌وگو کنیم و آنان را به گفت‌وگو واداریم، به مهم‌ترین وظیفه‌ی زبان که برقراری ارتباط اجتماعی است، بیشتر توجه کرده‌ایم، زیرا گفت‌وگو روحیه‌ی دانش‌آموزان را تلطیف می‌کند. پیشنهاد می‌کنم متناسب با وقت کلاس، یک روز در میان، هر روز یک ربع از وقت خود را به اظهارنظر در مورد کارتون روز قبل، خلاصه و ارزشیابی فیلم‌های سینمایی، عوامل آلودگی محیط زیست، دلایل دروغ‌گویی، تفاوت زندگی‌های روستایی و شهری و... اختصاص دهیم.

کتاب‌خوانی

کتاب‌خوانی تنها به تقویت و گسترش

عمل خواندن نمی‌انجامد، بلکه یکی از شاخص‌های توانایی ادراک‌های زبانی محسوب می‌شود. بنابراین، خواندن کتاب علاوه بر پرورش مهارت زبانی، به توانایی قوای ادراکی و شناختی بیشتر می‌انجامد. کتاب‌خوانی بخشی از فرهنگ عمومی جامعه است، بدین معنا که کودک کتاب‌خوان از رهگذر خواندن با تجربه‌هایی از زندگی اجتماعی آشنا می‌شود.

بدین منظور پیشنهاد می‌شود هر هفته یک ربع ساعت را به «کی چی خوانده است» اختصاص دهیم. احتمال دارد در هفته‌های اول عده‌ی بسیار کمی از بچه‌ها کتاب خوانده باشند، اما تشویق‌های دائمی ما آنان را به مطالعه برمی‌انگیزد.

واژه‌آموزی موضوعی

در این روش می‌توان موضوعاتی مانند احساسات، رنگ‌ها، پدیده‌های طبیعی،

وسایل حمل و نقل، میوه‌ها، سبزی‌ها، جانوران اهلی، وحشی و پرندگان را در نظر گرفت و از بچه‌ها خواست در این موارد مطالعه و برای بچه‌ها در روز بعد توضیح دهند. برای این منظور می‌توان فرهنگ‌های فارسی، دایرةالمعارف‌ها و کتاب‌های عمومی را به بچه‌ها معرفی کرد.

گردش علمی و تفریحی

گردش در پارک‌ها، جنگل‌ها، کوهستان‌ها، بازدید از مراکز علمی و آموزشی و کارخانه‌ها از زمینه‌های جالب و فرخ‌بخش در آموزش زبان است. مشاهده در این مراکز، علاوه بر وسعت دادن به دید کودکان، دانش‌آموزان را با پدیده‌های جدید و نام آن‌ها آشنا می‌کند.

دست‌کم ماهی یک گردش به یکی از مراکز علمی تفریحی یا مؤسسات فرهنگی مانند موزه‌ها بسیار مفید



آموزگار

باید در تهیه و تنظیم
برنامه‌ی خواندن، تنوع متن
خواندنی را در نظر داشته باشد. باید
توجه داشت که قدرت درک پیام نوشته
به تجربه‌های زندگی و شناخت هر کس از
محیط بستگی دارد. بنابراین، در انتخاب
و تهیه‌ی نوشته باید متوجه بود که
مفاهیم موجود در نوشته برای
شاگردان آشنا باشند.

با بازی در حیاط مدرسه کلمه‌های سخت را به دانش‌آموزان آموزش می‌دهم. یک دایره وسط حیاط می‌کشیم و داخل آن دایره‌های کوچک‌تر می‌کشیم. داخل دایره‌ها کلمه‌هایی می‌نویسیم و آن‌ها را به هم وصل می‌کنیم. بچه‌ها از وسط به طرف دایره‌های کوچک‌تر لی‌لی کنند. به هر کدام که می‌رسند آن کلمه را می‌خوانند و با آن جمله می‌سازند.

یکی از بچه‌ها را به بیرون از کلاس می‌فرستم. نکته‌ای را به بچه‌ها آموزش می‌دهم و از دانش‌آموز بیرونی می‌خواهم داخل بیاید. از بچه‌ها می‌خواهم راهنمایی کنند و مطلب آموزش دیده را به او بیاموزند.

در کنار پرسش‌های کتاب، پرسش‌هایی را مطرح کنیم که واگرایی داشته باشند. یعنی از جوانب و زوایای متفاوت پاسخ‌های گوناگون داشته باشند. پرسش‌ها باید متناسب با زندگی واقعی بچه‌ها و مربوط به حال و آینده باشند. ■

درباره‌ی صحت و سقم مطالب خوانده شده می‌پرسم و به آنان فرصت نمی‌دهم هنگام روخوانی دیگران چرت بزنند یا حواسشان پرت شود.

حواس‌پرتی و نداشتن تمرکز رفتارهایی واقعی هستند که به راحتی به عادت تبدیل می‌شوند و مسئول آن‌ها به غیر از ما هیچ کس دیگر نیست.

موضوعی را به دانش‌آموزان می‌دهم و از آن‌ها می‌خواهم در مورد آن با بچه‌ها و برای بچه‌ها سخنرانی کنند. سپس نظرات بچه‌ها را در مورد آن سخنرانی می‌پرسم.

بازی‌هایی را ترتیب می‌دهم که همه‌ی دانش‌آموزان در آن شرکت داشته باشند. نفر اول مانند اسب شیهه بکشد، دومی مثل خرس خرناس و سومی مثل گرگ زوزه بکشد. از دانش‌آموزان می‌خواهم در رابطه با درس آن روز کلاس نقاشی بکشند و درباره‌ی آن نقاشی چند جمله بنویسند و برای بچه‌ها بخوانند.

است. وقتی دانش‌آموزان از موزه‌ای مانند تاریخ طبیعی، مردم‌شناسی، سکه، فرش، تمبر و... بازدید می‌کنند، به کمک ما و راهنمای موزه با مجموعه گسترده‌ای از کلمات و اصطلاحات روبه‌رو می‌شوند که شاید برای نخستین بار به آن‌ها برخورد کرده باشند.

تجربه‌های من

من سعی می‌کنم متن کتاب فارسی را هر بار یکی از بچه‌ها بخواند و بقیه گوش کنند. سپس برای بار دوم نفر دیگری بخواند و با کمک هم خلاصه‌ی داستان را تعریف کنند.

هیچ‌گاه پاسخ‌دهی به پرسش‌های کتاب را جزو تکالیف خانه قلمداد نمی‌کنم. پرسش همیشه باید به‌طور شفاهی در کلاس انجام گیرد، زیرا بچه‌ها باید عادت کنند هم‌زمان با شنیدن و خواندن، مطلب را درک کنند. به‌طور مداوم نظر دانش‌آموزان را

راه‌های کیفیت‌بخشی به آموزش در کلاس‌های چندپایه

مدرسه‌ی چند پایه عمری طولانی‌تر از برنامه‌های جدید آموزش و پرورش دارد. در واقع، آموزش و پرورش از تجربه‌های چندین ساله‌ی کلاس چند پایه قوت گرفت و وارد عرصه‌های جدید شد. به‌طور یقین، همه‌ی کسانی که در کلاس چند پایه شاگردی کرده‌اند یا به‌عنوان معلم آن را برپا داشته‌اند، می‌دانند که تدریس در آن فضای کوچک چه لذتی دارد و چه اندازه بی‌همتاست. و اگر تجربه‌ی این کلاس‌ها را نداشته‌اید، آیا تاکنون از خود پرسیده‌اید دانش‌آموزان چند پایه در یک کلاس و با یک معلم چگونه از نظر آموزشی اداره می‌شوند؟ چگونه و با کدام برنامه می‌توان در این کلاس‌ها از روش‌های فعال، متنوع و مشارکتی بهره برد؟ آیا ساعات کار روزانه و هفتگی با حجم کار معلم کلاس چند پایه و نیازهای دانش‌آموزان هم‌خوانی دارند؟ کلاس عادی تک پایه برای هر جلسه‌ی آموزشی ۴۵ دقیقه وقت مستقل دارد. چگونه می‌توان همین زمان را در کلاس چند پایه به چندین ماده‌ی درسی اختصاص داد؟

از آنجا که در چند پایه دانش‌آموزان پایه‌های گوناگون در یک کلاس و با یک معلم واحد روبه‌رو هستند، برنامه‌ی درسی تلفیقی هم‌خوانی بسیار خوبی با این نوع کلاس‌ها دارد. زیرا که اتفاقاً شرایط و موقعیت لازم و مطلوب را برای ایجاد زمینه‌های یادگیری عمیق و پایدار در دانش‌آموزان فراهم می‌سازد.

در کلاس چندپایه، با هر نوع ترکیب پایه‌ای، همیشه از تمام درس‌های ابتدایی صحبت می‌شود. مثلاً پایه اولی‌های حاضر در کلاس چند پایه از درس‌های هدیه‌های آسمان، مطالعات اجتماعی و انشا خبر دارند. یعنی پایه‌های پایین‌تر از جزئیات محتوای آموزشی پایه‌های بالاتر نیز باخبرند. این ویژگی کلاس چند پایه با برنامه و رویکرد تلفیقی نزدیکی خوبی دارد. چون شیوه‌ی تلفیقی به تدریس و یادگیری فراگیرندگان نگاهی کل‌نگرانه دارد. در رویکرد تلفیقی، ترکیبی از موضوعات درسی، نه یک ماده‌ی خاص درسی، برای یک پایه در یک جلسه‌ی آموزشی وجود دارد.

برنامه‌ی تلفیقی درهم و برهم کردن محتوای درسی نیست، بلکه هدف از تلفیق و حاصل آن، در هم تیدن موضوعات متفاوت درسی است که از نظر اهداف به هم ارتباط دارند. در این روش،

شیوه‌های نوینی هم نام برد که اثربخشی آن‌ها بسیار مطلوب است. یکی از این روش‌های نوین «تلفیقی» نام دارد که متأسفانه در آموزش کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. شیوه‌ی تلفیقی به‌دلیل دانش‌آموز محور بودن و از بین بردن مرز بین حوزه‌های یادگیری، از گذشته‌ها برای ارائه‌ی مفاهیم آموزشی در پیش‌دستانی استفاده می‌شد.

تلفیق یعنی...

در هم آمیختن موضوعات درسی یا حوزه‌های محتوایی مواد درسی مختلف در یک یا چند پایه. برای مثال، آمیختن محتوایی درس علوم تجربی با درس هدیه‌های آسمان در یک یا چند پایه، یا آمیختن محتوای درس ریاضی بین چند پایه در یک جلسه‌ی آموزشی، از نمونه‌های آموزش در کلاس‌های چندپایه هستند

در پاسخ به این سؤال‌ها باید گفت، کلاس چندپایه همان کلاس در یک پایه‌ی تحصیلی نیست، بلکه واقعیت این است که آموزگار باید خود را از کلاس‌های تک پایه رها و آزاد کند و خود را با شرایط کلاس‌های چند پایه تطبیق بدهد. معلم کلاس چند پایه باید بتواند برای آموزش برنامه‌ای را به اجرا درآورد که با شرایط این کلاس و دانش‌آموزانش سازگار باشد. البته می‌توان در کنار آن از تجربه‌ها و برنامه‌های کلاس تک پایه به‌عنوان پشتوانه‌های علمی به‌نفع کلاس چندپایه سود برد و در واقع، با توجه به شرایط موجود، روش‌های منحصربه‌فرد خود را اجرا کرد.

روش نوین تدریس در کلاس‌های چندپایه با رویکرد تلفیقی

علاوه بر استفاده از روش‌های قدیمی که هم‌چنان می‌تواند در کلاس چندپایه کاربرد مؤثری داشته باشد، می‌توان از



هشتمین جشنواره‌ی عکس رشد، محمد گلچین کوهی، گیلان

جلسه، آن موضوع یا مفهوم مشترک در هدف، آموزش داده شود. یعنی در صورت وجود وجه اشتراک، موضوعات موجود در چند ماده‌ی درسی، در یک جلسه‌ی آموزشی با هم ترکیب شوند. چنین تلفیقی چند رشته‌ی مجزا مانند ریاضی، علوم تجربی و مطالعات اجتماعی را در یک پروژه قرار می‌دهد و مرز بین مواد درسی را از بین می‌برد.

می‌توان گفت، در حال حاضر، تا حدود زیادی در دوره‌ی ابتدایی بخش‌هایی از محتوای یک ماده‌ی درسی با بخش‌هایی از محتوای دیگر ماده‌ی درسی در یک پایه یا پایه‌های دیگر ارتباط موضوعی بسیار خوبی دارند. برای مثال، مفهوم عددنویسی در چندین پایه‌ی ابتدایی مشترک است که با یک طراحی آموزشی می‌توان آن‌ها را در یک جلسه آموزش داد. حتی در انجام دادن فعالیت‌ها نیز شباهت دارند. آشنایی با جانوران یا گیاهان نیز در چندین پایه مانند هم هستند.

در درس ریاضی به مفهوم حجم و گنجایش برمی‌خوریم که اتفاقاً در درس علوم تجربی هم همان مفهوم تکرار می‌شود. به همین دلیل، می‌توانیم در یک جلسه‌ی آموزشی کلاس چند پایه، هم‌زمان مجموعه‌ای از محتواها در چند ماده‌ی درسی را آموزش دهیم. ■

برنامه‌ی تلفیقی درم و برهم
کردن محتوای درسی نیست، بلکه هدف از تلفیق و حاصل آن، در هم تنیدن موضوعات متفاوت درسی است که از نظر اهداف به هم ارتباط دارند. در این روش، برای درک یک مفهوم، از چند ماده‌ی درسی که ارتباط خوبی با موضوع دارند، کمک گرفته می‌شود

تقویت مهارت‌های فرایندی از قبیل تحلیل کردن، تفکر انتقادی، ارتباط برقرار کردن، استدلال کردن، نوشتن و سؤال کردن است. قصد بر آن است که دانش‌آموزان در جهت فراگیری مهارت‌های تفکر و راهبردهای کلی همراه با کاربرد وسیع آن‌ها در موضوعات درسی، توانمند شوند. بنابراین، در چند ماده‌ی درسی، به‌وسیله‌ی مهارت‌های تفکر با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند.

ب) تلفیق محتوای محورها

در تلفیق محتوای محورها قصد بر این است که بین چند ماده‌ی درسی (برای مثال زبان آموزی، علوم تجربی، ریاضی و هنر) یا همان حوزه‌ی محتوایی پیوند برقرار شود. تلفیق محتوای محورها به شکستن مرز محتوایی بین درس‌ها تأکید دارد. در این روش، ارتباط برقرار کردن بین محتوای چند ماده‌ی درسی اصل بسیار مهمی است.

تلفیق محتوای محورها به شکل‌های متفاوت صورت می‌گیرد. به نظر می‌رسد در چند پایه یک شکل از آن‌ها، یعنی تلفیق بین‌رشته‌ای، به‌خوبی صورت می‌گیرد و با فراوانی زیادی قابل استفاده است.

تلفیق بین‌رشته‌ای یعنی که تا جایی که شرایط محتوایی ایجاب می‌کند، بین چند ماده‌ی درسی پیوند زده شود تا در یک

برای درک یک مفهوم، از چند ماده‌ی درسی که ارتباط خوبی با موضوع دارند، کمک گرفته می‌شود.

تلفیق هدف خاص و مشترک درس‌های مختلف را با طرح یک مسئله یا موضوع خاص محور قرار می‌دهد. لذا هم‌زمان همه‌ی پایه‌ها می‌توانند به یک مسئله و یک هدف آموزشی فکر کنند.

برنامه‌ی تلفیق بر آن است که فاصله‌ی بین مفاهیم موجود در مواد گوناگون درسی را کم و شبکه‌ای مفهومی بین آن‌ها ایجاد کند و بر این ارتباط بیفزاید. به‌طور مثال، ارتباط بین درس‌های ریاضی، علوم تجربی و هدیه‌های آسمان.

در تلفیق، به جای یادگیری یک ماده‌ی درسی مثل ریاضی در زمانی مجزا و مستقل، هم‌زمان از دیگر مواد درسی نیز استفاده می‌شود و آن‌ها با هم می‌آمیزند. محتوا به‌صورت ترکیبی از دو یا چند ماده‌ی درسی درمی‌آید و در یک جلسه‌ی آموزشی تدریس می‌شود.

رویکرد تلفیقی انواع و شکل‌هایی دارد که برای سهولت کار و آشنایی بهتر معلمان چندپایه، آن را در دو شاخه‌ی کلی قرار می‌دهیم.

انواع تلفیق به‌طور کلی عبارت‌اند از:

الف) تلفیق مهارت محور

در این نوع از تلفیق، هدف از آموزش

تلفیق محتوا در درس‌های چندین پایه در کلاس

این کار موجب بالا بردن سطح آموزش می‌شود و درمان کننده‌ی کمبود وقت آموزشی در کلاس چندپایه است. از سوی دیگر، تجربه‌های یادگیری دانش‌آموزان را از پراکندگی خارج می‌کند. زیرا برای اینکه یادگیری اتفاق بیفتد، به تجربه کردن نیازمندیم و در زمان آموزش یک مفهوم، بین دانش‌آموزان پایه‌های گوناگون کاملاً ارتباط برقرار می‌شود.

بیشتر اوقات در یک جلسه‌ی آموزشی دانش‌آموزان پایه‌های گوناگون با هم ارتباط درسی ندارند، بلکه شرایطی وجود دارد که فقط در یک جا جمع شده‌اند. این موضوع یک ضعف تلقی و باعث می‌شود از توانمندی موجود در کلاس، چه از نظر

سطح علمی و چه سنی استفاده‌ای نشود. در حال حاضر، در بیشتر وقت‌ها تدریس یک ماده‌ی درسی در هر پایه مستقل از دیگر پایه‌های کلاس انجام می‌پذیرد، زیرا عده‌ای از معلمان فکر می‌کنند هر جلسه‌ی آموزشی در جدول ساعات درسی به یک ماده‌ی درسی در یک پایه اختصاص دارد. تلفیق این شرایط را با توجه به نیاز کلاس تغییر می‌دهد و چندین پایه را هم‌زمان به فعالیت آموزشی مشارکتی وامی‌دارد.

در کلاس چندپایه می‌توان به چند صورت از تلفیق استفاده کرد:

الف) تلفیق درس‌های یکی از پایه‌ها
ب) تلفیق درس‌های چندین پایه با هم
تهیه و طراحی فعالیت‌های آموزشی تلفیقی در آغاز کار دشوار به نظر می‌آید و به زمانی طولانی و تمرکز کافی نیاز

دارد، زیرا برای اجرای عملی طرح، برنامه باید دقیق باشد و اهداف را در پایه‌ها مورد توجه قرار دهد. اجرای آن در شروع کار وقت زیادی می‌طلبد، اما معلم نباید ناراحت باشد یا فکر کند وقت را از دست داده است، زیرا با رویکرد تلفیقی، در یک جلسه از وقت کلاس، فعالیت چند جلسه در یک یا چندپایه را انجام داده است. ■

منابع

۱. میرشفیعی، سید داود (۱۳۹۵). یک موقعیت خاص به نام چند پایه. انتشارات مدرسه. تهران
۲. ملکی، حسن (۱۳۸۲). رویکرد تلفیقی به برنامه‌ی درسی. سرک.
۳. دیمه‌ور، محمد (۱۳۹۵). نوسازی و بهسازی یادگیری در کلاس‌های چندپایه به روش تدریس با رویکرد تلفیق ۱۶۶. منادی تربیت. تهران.
۴. حاجی اسحاق، سهیلا (۱۳۹۳). مدارس تک اتاقی. کورش. تهران.

معرفی کتاب

اصغر ندیری



مترجم: حبیب امانی، فهیمه آراین

مؤلف: پیتر وست‌وود

ناشر: آوای نور، ۱۳۹۴

تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۶۷۳۵۵

مشکلات یادگیری (آنچه معلمان باید بدانند)

مشکلات یادگیری در مدرسه چیست و آموزگاران در برخورد با نیازهای دانش‌آموزان مبتلا به مشکلات یادگیری چه حسی دارند؟ مشکلات یادگیری معمولاً به موانعی تعبیر می‌شوند که دسترسی و شرکت در کلاس و نتایج برنامه‌ی درسی را محدود می‌کنند. البته این اصطلاح کلی است و غالباً بی‌دقت به کار می‌رود. باید گفت، این اصطلاح برای دانش‌آموزانی به کار می‌رود که مشکلات یادگیری دارند، اما هیچ‌گونه آسیب ذهنی، حسی یا فیزیکی ندارند. مشکلات یادگیری حتی می‌تواند از عوامل بیرونی مانند شرایط نامناسب فرهنگی - اجتماعی، حمایت نشدن از سوی خانه و وجود برنامه‌ی درسی نامناسب در سال‌های آغازین هم ناشی شود.

آزمون دانش‌آموزان دارای مشکلات یادگیری

یادگیری روخوانی برای دانش‌آموزان مبتلا به مشکلات یادگیری مسئله‌ساز است. برای تدریس روخوانی لازم است روش‌های مؤثر و شناخته‌شده‌ای استفاده شوند. همچنین، آموزش ناکافی یا نامناسب، سرعت بیش از حد در ارائه‌ی مطالب و نبود مثال‌های ملموس در زندگی واقعی و یا درک نکردن اصطلاحات ریاضی، از دلایل افزایش این مشکل هستند. به نظر می‌رسد، کارآمدترین معلمان در آموزش ریاضی آن‌هایی هستند که آموزش منظم و راهبرد حل مسئله و درک ذاتی از موضوع را پیش می‌برند. یکی از مشخصه‌های رایج همه‌ی راهبردهای حمایتی مؤثر در این زمینه آن است که راهبردها، زمان درگیری تحصیلی دانش‌آموزان و تمرین‌های فوق برنامه را افزایش دهیم. این امر به خودکارآمدی آن‌ها خواهد انجامید. کتاب «مشکلات یادگیری»، در شش فصل، دیدگاه‌های رایج درباره‌ی مشکلات یادگیری، پیامدهای مؤثر این مشکلات، مداخله و شناسایی یادگیری و انطباق و حمایت دانش‌آموز مبتلا به این مشکلات را بررسی می‌کند.

زنگ هنر فقط برای نقاشی نیست!

با بهره‌گیری از هنر به عنوان ابزاری برای کندوکاو علمی، می‌توانیم چشم‌انداز دانش‌آموزان را گسترش دهیم. معلمان در ساعت هنر به نمایش، کاردستی، نقاشی، رنگ آمیزی، خطاطی و... می‌پردازند. توصیه می‌شود، در کنار این درس، به صورت تلفیقی و غیرمستقیم، سایر درس‌ها را هم آموزش دهیم. گاهی وقت کافی برای تدریس درس‌های دیگر نداریم، یا اگر می‌خواهیم تمرینی از مفهوم ریاضی و علوم را تکرار کنیم و اطلاعات را افزایش دهیم، چه ساعتی بهتر از ساعت هنر. برای مثال، از نقاشی در زنگ هنر می‌توان به عنوان ابزاری برای عمق بخشیدن به درک دانش‌آموزان استفاده کرد و آن‌ها را به تفکر عمیق درباره‌ی آنچه می‌دانند و آنچه مشاهده می‌کنند، تشویق کرد. این مقاله می‌خواهد اهمیت زنگ هنر را در تلفیق با سایر درس‌ها بیان کند و راهکارهایی در این زمینه ارائه دهد. این موضوع هرگز به این معنا نیست که هنر را فدای درس‌های دیگر کنیم، بلکه می‌توانیم هنر را با درس‌های دیگر تلفیق و همراه کنیم.

۱ نقاشی هدفدار با تلفیق سایر

درس‌ها: دانش‌آموزان با کشیدن نقاشی هدفدار در زنگ هنر که با تلفیق سایر درس‌ها انجام می‌شود، می‌توانند پاسخ پرسش‌های خود را بیابند و خلاقیت خود را نشان دهند. نقاشی دانش‌آموزان پلی برای برقراری ارتباط با درون کودکان است، چون کودکان واقعیت زندگی خود و دنیای پیرامون خود را می‌کشند و رنگ دلخواه خود را در آن مجسم می‌کنند.

۲ زنگ هنر با استفاده از

روش‌های نوین تدریس: جریان یادگیری از طریق تمام حواس صورت می‌گیرد. معلم می‌تواند در زنگ هنر از روش‌های نوین تدریس مانند روش چند حسی ۷۵ درصد یادگیری سمعی، ۶ درصد یادگیری



لمسی، ۳ درصد یادگیری چشایی و ۳ درصد یادگیری بویایی استفاده کند. این روش به یادگیری اصیل و عمیق و پایدار در دانش‌آموزان منجر می‌شود. معلم با مشخص کردن مسئله، فراگیرندگان را به جمع‌آوری اطلاعات، فرضیه‌سازی، آزمون فرضیه و نتیجه‌گیری می‌رساند. با استفاده از روش تدریس پروژه هم می‌توان قدرت مدیریت، برنامه‌ریزی و خودکنترلی را در دانش‌آموزان ارتقا بخشید. در این روش، دانش‌آموزان می‌توانند با توجه به علاقه‌ی خود موضوعی را انتخاب و به‌طور فعالانه در به نتیجه رساندن آن بکوشند. این روش اعتمادبه‌نفس را در دانش‌آموزان تقویت می‌کند، زیرا بین آن‌ها و معلم رابطه‌ی صحیح آموزشی برقرار می‌شود. در نهایت، تقویت همکاری، احساس مسئولیت، انضباط کاری، صبر و تحمل در انجام امور و تحمل عقاید دیگران و مهارت‌های اساسی پژوهش در دانش‌آموزان از



مزایای این روش هستند. در زنگ هنر، معلم با روش پرسش و پاسخ می‌تواند مطالبی را که قبلاً تدریس کرده است، ارزشیابی کند. در صورتی که معلم نتواند برای فهماندن مطلب درسی آزمایش انجام دهد، شیوه‌ی نمایشی می‌تواند برای روشن‌تر کردن مفهوم برای فراگیرندگان شیوه‌ی خوبی باشد. بهتر است این نمایش در ساعت هنر باشد و با روش بحث همراه شود.

گردش علمی به دانش‌آموزان امکان می‌دهد از طریق مشاهده‌ی طبیعت، وقایع، فعالیت‌ها، اشیاء و مردم تجربه‌ی علمی به دست آورند. در گردش علمی، دانش‌آموزان با مشاهده‌ی واقعیت‌ها، مفاهیمی را که در کلاس مورد بحث قرار می‌گیرد، بهتر در ذهن خود می‌پرورانند. معلم می‌تواند با استفاده از این شیوه کنجکاوی فراگیرندگان را درباره‌ی موضوعی خاص برانگیزد. در بعضی موارد می‌توان از گردش علمی برای جمع‌آوری اطلاعات لازم در انجام آزمایش یا پروژه بهره گرفت.

۳ تلفیق زنگ هنر با درس علوم: اگر بخواهیم زنگ هنر را با درس علوم تلفیق کنیم، می‌توانیم بعد از انجام آزمایش‌های گوناگون علوم و آزمایش‌های اضافی، از دانش‌آموزان

بخواهیم گزارش آن را بنویسند و در کلاس بخوانند. معلم در ساعت هنر از دانش‌آموزان می‌خواهد در مورد جانوران تحقیق کنند و نقاشی مربوط را بکشند. دانش‌آموزان را به حیاط می‌برد و در کنار درختان باغچه، از آن‌ها می‌خواهد از طریق تجربیات خود، آگاهی‌های بیشتری نسبت به حشرات، کرم‌ها، حرکات و صداها و رژیم غذایی آن‌ها پیدا کنند. آن‌ها منابع را بررسی و مشاهده می‌کنند، نقاشی مربوط به حیوان را می‌کشند، رنگ‌آمیزی می‌کنند، بحث می‌کنند و توضیح می‌دهند. معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد در زنگ هنر وسایل آزمایش علوم را تهیه کنند؛ ساختن ترازو، دماسنج، طبقه‌بندی مواد و بادبادک.

۴ تلفیق هنر با علوم و مهارت‌های زندگی: معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد وسایل کاشت گندم یا جو را فراهم کنند. آن‌ها را به حیاط مدرسه می‌برد و محل مناسبی را در نظر می‌گیرد و همه با همکاری هم سبزی، گندم یا جو می‌کارند. در چند روز آینده، آن‌ها جوانه زدن را مشاهده می‌کنند. اثر سرما را بر گیاهان می‌بینند، نحوه‌ی آبیاری و نظارت را یاد می‌گیرند و در نهایت از نزدیک با مراحل کاشت، داشت و





برداشت آشنا می‌شوند. آن‌ها می‌توانند این مراحل را در هر فصل سال در دفتر نقاشی کنند یا به‌صورت چارت تهیه کنند یا روزنامه‌دیواری بسازند.

۵ تلفیق هنر با ریاضیات:

نمی‌توانیم قاعده‌ی ریاضی را با حفظ کردن یاد بدهیم. بهتر است در ریاضیات از روش‌های مناسب آموزشی و جذاب و متنوع استفاده کنیم. تمرین ریاضی را می‌توانیم در زنگ هنر با نقاشی و کاردستی یا بازی و نمایش تلفیق کنیم. معلم مسئله‌ای را طرح می‌کند و دانش‌آموزان با همکاری هم نمایش را اجرا و مسئله را حل می‌کنند. دانش‌آموزان می‌توانند با اعداد ۰ تا ۹ شکل بکشند و آن‌ها را رنگ کنند. معلم راهنمایی می‌کند مثلاً دانش‌آموزان با عدد ۷ چه اشکالی می‌توانند بکشند. با هفت می‌توان بادکنک، پروانه، قیچی، پاکت نامه و برای عدد ۸ می‌توان خانه، کوه و کلاه رسم کرد. برای عدد ۹ می‌توان گوش‌های موش، گل، گیلان و قیچی و اشکال دیگر کشید. معلم برای پرورش خلاقیت فراگیرندگان از آن‌ها می‌خواهد به‌صورت گروهی جورچین درست کنند.

قطعات مقوا را برش دهند و با کشیدن شکل‌های هندسی و مفاهیم ریاضی، محیط و مساحت، جورچین ساده‌ای تهیه کنند تا گروه دیگر آن را کامل کند. در زنگ هنر هم می‌توانند با ساختن ساعت، خواندن آن را آموزش دهند.

۶ تلفیق هنر با مطالعات اجتماعی:

معلم می‌تواند گردش علمی تدارک ببیند. او از دانش‌آموزان می‌خواهد یادداشت‌برداری کنند و به گزارش‌نویسی اهمیت می‌دهد. معلم می‌خواهد دانش‌آموزان با محیط اطراف آشنا شوند و به اهمیت و نقش محیط اطراف، نظافت، حیوانات پی‌ببرند. معلم می‌تواند پلی به درس اجتماعی بزند و از دانش‌آموزان بخواهد منظومه‌ی شمسی یا نقشه‌ی ایران یا موقعیت روستا و شهر خود را

بکشند. معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد آثار تاریخی و مناظر طبیعی را مشاهده و نقاشی کنند یا با گل رس، اشیاء و وسایل قدیمی بسازند و آن‌ها را در آفتاب قرار دهند تا خشک شود. از آن‌ها می‌خواهد با رنگ‌آمیزی آن اشیاء به مناسبت‌های گوناگون نمایشگاهی از آثارشان برپا کنند.

۷ تلفیق هنر با فارسی: در زنگ

هنر معلم می‌تواند نمایش صحنه‌ای یا عروسکی انجام دهد. دانش‌آموزان می‌توانند داستان‌های کتاب فارسی مانند قصه‌های قدیمی، سرگذشت پیامبران و امامان را در زنگ هنر به صورت نمایش اجرا کنند، ولی نباید از تأثیر قصه در یادگیری غافل شد. معلم یا دانش‌آموزان می‌توانند قصه‌ای را انتخاب و در زنگ هنر برای بقیه‌ی دانش‌آموزان تعریف کنند.

۸ تلفیق هنر با هدیه‌های آسمان:

معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد نعمت‌های خدا را به تصویر بکشند. در جلسه‌ای هم دانش‌آموزان تصاویر ترتیب نماز را می‌کشند و رنگ می‌کنند. آن‌ها می‌توانند پیام‌های قرآنی را بنویسند یا داستان یکی از پیامبران و ائمه را نقاشی کنند. می‌توان دانش‌آموزان را به مسجد یا امامزاده‌ی نزدیک مدرسه برد و از آن‌ها خواست نقاشی آن مکان را بکشند و حتی در نماز جماعت هم شرکت کنند. ■

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

معلمان در زنگ هنر می‌توانند از روش‌های نوین و فعال تدریس مانند روش چندحسی، نمایشی، گردش علمی، پروژه، حل مسئله، پرسش و پاسخ و بحث گروهی و قصه‌گویی استفاده کنند. معلمان نباید زنگ هنر را با کشیدن یک نقاشی ساده یا کاردستی بدون هدف طی کنند. معمولاً در زنگ هنر فعالیت‌هایی نظیر رنگ‌آمیزی با گوش روی تکه‌های کاشی و ساختن شکل‌های جالب، رنگ‌آمیزی روی سنگ‌های ته رودخانه و ساختن شکل‌های گوناگون، رسم شکل با خطوط درهم، چاپ انگشتی، تهیه‌ی تصاویر برای افزایش دقت و توجه، تهیه‌ی قاب عکس، ساخت کتاب داستان مفیدند. معلم فعال باید این‌گونه فعالیت‌ها را در تعمیق یادگیری درس‌های دیگر به کار برد.

علاقه و احساس تعلق نیما به مدرسه، به‌ویژه از اینکه دانش‌آموز سال آخر دبستان است، در گفته‌هایش کاملاً محسوس است. از او می‌پرسیم:

● مگر پایه‌ی ششم چه فرقی با سایر پایه‌ها دارد؟

می‌گوید: «خیلی فرق دارد. درس‌های امسال ما آسان‌ترند و بیشتر مرور آموخته‌های سال‌های قبلی است. به علاوه، ما امسال مسئولیت‌های زیادی داریم، چون شاگردان ارشد مدرسه‌ایم.»

می‌پرسیم: «چه مسئولیت‌هایی؟»

– خب، ما ششمی‌ها قرار است امسال در جلسه‌ی آخر سال انجمن اولیا و مربیان، گزارشی از فعالیت‌های مدرسه بدهیم. گذشته از آن، ما در این جلسات بوفه‌ی مدرسه را هم اداره می‌کنیم. مثلاً مسئولیت فروش چای، قهوه و شیرینی را به ما واگذار می‌کنند. ما پول فروش را به مدرسه می‌دهیم تا برای برنامه‌های آینده‌ی کلاس پس‌انداز شود. قرار است ماه دیگر ما را به شهر آتاوا ببرند. بنابراین، باید برای کرایه‌ی اتوبوس و مخارج یک شب که در آتاوا می‌مانیم، پول جمع کنیم.

● این بازدید به چه منظور انجام می‌شود؟

– قرار است از مرکز علوم شهر آتاوا دیدن کنیم. یک برنامه‌ی کوهنوردی هم هست. شاید یک مرکز ورزشی یا تفریحی را هم بازدید کنیم.

● آیا به‌عنوان دانش‌آموزان ارشد

مدرسه، مسئولیت‌های دیگری هم به شما واگذار می‌کنند؟

– البته. ما در ساعات ناهار خوردن، به شاگردان کوچک‌تر (پیش‌دستانی و کلاس اولی‌ها) کمک می‌کنیم. مثلاً روزی که قرار است همراه غذا بلال به بچه‌ها بدهند، در آشپزخانه آن‌ها را پوست می‌کنیم و در

مدرسه‌ی محبوب من ماکلاس ششمی‌ها...

گفت‌وگوی زیر در بهار امسال با نیما فرودیان، دانش‌آموز پایه‌ی ششم یکی از دبستان‌های دولتی شهر مونترال در ایالت کبک انجام گرفته است. نیما ۱۲ سال دارد و شش سال است که به همراه خانواده‌ی خود در این شهر زندگی می‌کند. او در این مصاحبه از مدرسه، معلم‌ها، برنامه‌های درسی و از آرزو و انتظاراتش صحبت می‌کند. گفت‌وگوی زیر می‌تواند تصویر یک مدرسه‌ی دوست‌دار کودک را به مربیان دلسوز و سخت‌کوش ما نشان دهد؛ مدرسه‌ای که با ساختار، برنامه‌ها، فعالیت‌های آموزشی و پرورشی و با حمایت از هر یک از دانش‌آموزان، زندگی در مدرسه و یادگیری را برای آنان آسان و لذت‌بخش جلوه می‌دهد.



آب جوش می‌اندازیم و برایشان در بشقاب می‌گذاریم و کمک می‌کنیم تا بخورند. زنگ تفریح هم به نوبت، در حیاط مخصوص شاگردان کوچک‌تر، که از حیاط ما جداست، از آن‌ها مراقبت می‌کنیم.

می‌پرسم:

● چه چیزهای دیگری از این مدرسه برایت جالب است؟

بلافاصله می‌گوید: «دو چیز. ما هر هفته روزهای جمعه در آخرین ساعت صبح، یک ساعت وقت آزاد داریم که هر کاری دلمان بخواهد می‌توانیم انجام بدهیم. در این ساعت، بعضی‌ها نقاشی می‌کنند یا کتاب می‌خوانند یا با هم حرف می‌زنیم. عصر جمعه هم دو ساعت آزادیم و می‌توانیم کارهایی را که دوست داریم در کلاس انجام بدهیم، به‌شرطی که سروصدا و مزاحمتی برای دیگران نداشته باشیم. دیگر اینکه می‌توانیم کارهای داوطلبانه انجام دهیم. معلم ورزش ما مسئول این برنامه است. او از ما می‌پرسد چه کسی می‌خواهد از کوچک‌ترها مراقبت کند و هرکسی را که مایل باشد، اسمش را برای این کار می‌نویسد.

هر زنگ تفریح، دو نفر از ما ششمی‌ها در حیاط بازی بچه‌ها را تنظیم می‌کنیم یا به صفتبندی آن‌ها کمک می‌کنیم. یکی دیگر از کارهای داوطلبانه، کتاب خواندن و کمک به یادگیری بچه‌های پایه‌های اول و دوم است. مثلاً برای آن‌ها یا با آن‌ها کتاب می‌خوانیم یا به آن‌ها کمک درسی می‌دهیم؛ البته قبلاً برای این کار به ما آموزش می‌دهند.

از او در مورد روش‌های تدریس و فعالیت‌های درون کلاس سؤال می‌کنم: «معلم‌های این مدرسه برای تشویق بچه‌ها به درس خواندن چه کار می‌کنند؟»

خیلی کارها! هر معلمی ایده و فکر خودش را دارد. کلاس چهارم که بودم، اول سال معلم گفت هر گروه از بچه‌ها که از نظر درسی و اخلاقی امتیاز بیاورد، آخر سال آن

گروه را به رستوران خواهیم برد و برای هر کدام از افراد گروه هدیه‌ای خواهیم خرید. او به قول خودش عمل کرد.

«خب، چه کسانی را به رستوران برد؟»

با خنده و حالتی توأم با غرور و افتخار می‌گوید: «گروه ما را. من و سه نفر اعضای گروه‌مان را معلم‌مان سوار ماشین خودش کرد و به یک رستوران برد که خیلی به ما خوش گذشت. موقع برگشتن هم برای هر کدام از ما هدیه‌ی کوچکی خرید.»

● خب این از بچه‌های درس‌خوان!

حالا بگو ببینم، معلم‌های شما با

بچه‌هایی که درس نمی‌خوانند چه

رفتارهایی دارند؟

او می‌گوید: معلم‌ها خیلی مهربان و صمیمی‌اند. اگر از کارمان راضی نباشند، می‌گویند کارت خوب نبود. باید بیشتر تلاش کنی. اما اگر باز هم کارمان را اصلاح نکردیم، آن وقت تنبیه می‌شویم!

می‌دانم که اعمال خشونت‌آمیز و هرگونه تنبیه در مدراس این کشور ممنوع و غیرقابل قبول است. لذا با تعجب می‌پرسم: «گفتی تنبیه؟»

بله. اگر معلم از کارمان راضی نباشد، روزهای جمعه یک ربع یا نیم‌ساعت از وقت آزادمان را می‌گیرد. ما باید در این مدت کارمان را تمام کنیم.

از ساعات کار مدرسه می‌پرسم و او می‌گوید: «مدرسه ساعت ۹ صبح شروع می‌شود و تا ۴ بعدازظهر ادامه دارد. ما هر روز صبح دو زنگ تفریح کوتاه پنج دقیقه‌ای و یک زنگ تفریح طولانی ۲۰ دقیقه‌ای در ساعت ۱۱

صبح داریم. بعد تا ۱۲ و ۳۰ دقیقه درس می‌خوانیم و نیم‌ساعت هم وقت ناهار و نیم‌ساعت دیگر وقت بازی و تفریح داریم. درس‌های بعدازظهر سبک‌ترند و بیشتر شامل درس‌های اخلاق، تعلیمات مدنی، تاریخ و هنر می‌شوند؛ مثلاً تئاتر. بعدازظهر هم یک ربع زنگ تفریح داریم.»

● روش‌های تدریس و اخلاق و

خصوصیات معلم‌ها چگونه است؟

نیما می‌گوید: «خانم معلم ما خیلی از دوران کودکی خودش برای ما حرف می‌زند. خیلی برای ما جالب است. گاهی جوک می‌گوید و ما را به خنده می‌اندازد. معلم ما خیلی خوب درس می‌دهد و ما را راهنمایی می‌کند. او همیشه سعی می‌کند درس‌ها را به زندگی ما ارتباط بدهد. مثلاً وقتی متن جدید را می‌خواند یا درس جدید می‌دهد، به ما می‌گوید: «شما چی فکر می‌کنید؟ آیا در زندگی‌تان به این موضوع یا مسئله برخورد کرده‌اید؟ نظرتان چیست؟ برای ما از اول سال یک نظام تشویقی یا امتیاز در نظر گرفته‌اند. برای درس، اخلاق، کمک به یکدیگر و حمایت از شاگردان کلاس‌های پایین. گروهی که بالاترین امتیاز را بگیرد، از یک سری جوایز برخوردار می‌شود. معلم کلاس پنجم، روز تولدشان، ما را از تکلیف درس معاف می‌کند. ما در این روز می‌توانیم به انتخاب خودمان انجام تکلیف برای یکی از درس‌ها را حذف کنیم. این هدیه‌ی تولد ماست.

● حالا دلم می‌خواهد نظر نیما را

در مورد آینده‌اش بدانم. می‌پرسم:

خانم معلم ما خیلی از دوران کودکی خودش برای ما حرف می‌زند. خیلی برای ما جالب است. گاهی جوک می‌گوید و ما را به خنده می‌اندازد. معلم ما خیلی خوب درس می‌دهد و ما را راهنمایی می‌کند. او همیشه سعی می‌کند درس‌ها را به زندگی ما ارتباط بدهد.



گاهی پلیس می‌آید و درباری حمایت‌ها و خدمات پلیس برای بچه‌ها صحبت می‌کند یا پرستار مدرسه در مورد بیماری‌ها با ما حرف می‌زند. بعضی وقت‌ها هم درباره‌ی موضوع‌های دیگر حرف می‌زنیم؛ مثلاً آیا رقابت خوب است یا بد و همکاری یعنی چه و چه‌طوری باید با هم کار کنیم. در زنگ دایره بازی‌های زیادی می‌کنیم یا در مورد چیزهایی که در مدرسه دوست داریم یا دوست نداریم حرف می‌زنیم.

نیم‌دا در مورد کلاس‌های فوق برنامه به موارد زیر اشاره می‌کند: «بعد از پایان مدرسه، کلاس‌های فوق برنامه شروع می‌شود؛ مثلاً کلاس کاراته، کلاس‌های هنرهای دراماتیک، کارگاه علوم، کلاس نقاشی، زبان و کلاس تقویتی و کمک به تکلیف شب.»

● آیا برای این کلاس‌ها شهریه می‌گیرند؟

– بله. هر کدام از ما یک کارگاه را انتخاب می‌کنیم و باید پول بدهیم، اما کلاس تقویتی رایگان است و همه‌ی بچه‌هایی که درسشان ضعیف است، به توصیه‌ی معلم یا پدر و مادرشان در این کلاس‌ها شرکت می‌کنند.

او توضیح دیگری هم درباره‌ی برنامه‌های مدرسه دارد: «بعد از کلاس‌های فوق برنامه، مدرسه تا یک‌ساعت دیگر هم باز است، یعنی تا ساعت شش بعدازظهر. بچه‌هایی که پدرها و مادرهایشان کار می‌کنند و نمی‌توانند ساعت ۴ دنبال آن‌ها بیایند، یکی دو ساعت دیگر در مدرسه می‌مانند و زیر نظر چند مربی بازی می‌کنند یا تکالیف خود را می‌نویسند. می‌پرسم:

● در این مدرسه، برای تشویق شما

مذهب‌ها مطالعه و هر چند نفر روی یک پروژه کار می‌کنیم. بعد در یک تاریخ معین باید پروژه‌ی خودمان را در کلاس ارائه دهیم.

چنین به‌نظر می‌رسد که درس‌هایش را دوست دارد و محتوا و روش‌های تدریس معلمان برای او جالب است. دلم می‌خواهد از فعالیت‌های غیردرسی و فوق برنامه‌ی مدرسه‌ی او آگاه شوم. می‌پرسم: «در مدرسه چه فعالیت‌های غیردرسی دارید؟» – ما هفته‌ای یک‌بار کلاس‌های میانجیگری داریم. در این کلاس که مشاور مدرسه برایشان می‌گذارد، درباره‌ی استرس امتحان یا دلایل دعوا و مرافعه بین بچه‌ها یا در مورد وجود زورگیری و قلدری در مدرسه حرف می‌زنیم. مثلاً وقتی بچه‌ای کسی را اذیت می‌کند، مشاور از همه‌ی شاگردان می‌خواهد جلوی این‌کار را بگیریم و هیچ‌وقت از فرد زورگیر حمایت نکنیم. نباید تماشاچی دعوا باشیم. در این کلاس به ما یاد می‌دهند چه‌طور از خودمان دفاع کنیم یا اگر کسی ما را آزار می‌دهد، به چه کسی در مدرسه اطلاع دهیم. در کلاس میانجیگری گاهی تئاتر بازی می‌کنیم تا همه متوجه بشوند اگر به کسی ظلم شود، او چقدر ناراحت می‌شود و چرا باید دست از این کار برداشت.

یک برنامه‌ی دیگر هم هست که بیشتر برای کلاس‌های اول، دوم و سوم است که اسمش «زنگ دایره» است. در این زنگ همه‌ی بچه‌ها در کلاس خودشان یا در جایی بیرون از کلاس دایره دور هم می‌نشینند. زنگ دایره را بچه‌ها خیلی دوست دارند، چون درباره‌ی موضوع‌های متعددی صحبت می‌شود. مثلاً

«دوست داری چه کاره بشوی؟»

سرش را تکان می‌دهد. به‌نظر می‌رسد تصمیم خود را گرفته است، می‌گوید: «من آسپری و تنیس را از همه‌ی کارها بیشتر دوست دارم و دلم می‌خواهد سرآشپز و معلم تنیس بشوم.»

برایم جالب است که بر خلاف بسیاری از دانش‌آموزان مادر ایران، به رشته‌هایی چون پزشکی، مهندسی، و کالت، خلبانی و غیره که معمولاً در کشور ما اعتبار زیادی دارد؛ فکر نمی‌کند.

● تا چه حد فکر می‌کنی به آرزویت برسی؟

می‌گوید: اگر خوب درس بخوانم، به آرزویم می‌رسم. وقتی دبیرستان را تمام کردم، می‌خواهم رشته‌ی هتل‌داری را انتخاب کنم. دوست دارم مدتی در یک رستوران کار کنم تا کار یاد بگیرم. بعد شاید یک‌روز رستوران خودم را باز کنم و تنیس‌باز خوبی هم بشوم. من از ورزش‌ها پینگ‌پنگ و بسکتبال را هم دوست دارم، اما تنیس را از همه بیشتر.

● کدام درس را از همه بیشتر دوست داری؟

بلافاصله می‌گوید: «ریاضی را. چون از همه آسان‌تر است. تعلیمات اجتماعی را هم دوست دارم. ما الان تاریخ جنگ جهانی دوم را می‌خوانیم و بیشترش به صورت بحث است؛ مثلاً اینکه علت شروع جنگ چه بود، چه عواقبی برای همه‌ی دنیا داشت و چرا باید جلوی جنگ را بگیریم؟»

● در درس اخلاق چه چیزی یاد می‌گیرید؟

در درس اخلاق، در مورد فرهنگ‌ها و



می‌دهند؛ مخصوصاً تخم‌مرغ‌های شکلاتی.

عید نوئل به هر کدام از ما هدیه می‌دهند.»

نیما خاطرات شیرینی از روزهای مدرسه دارد. می‌گوید: «کلاس سوم که بودم، یک روز پیش از عید نوئل اجازه دادند صبح با لباس خانه (پیژاما) به مدرسه بیاییم.»

آن روز صبحانه را در مدرسه خوردیم و تمام روز بازی کردیم. فکر می‌کنم آن روز بهترین روز مدرسه بود. نیما را با خاطرات خوش مدرسه و آرزوهای بزرگ و کوچکش ترک می‌کنم. او امسال در آستانه‌ی بلوغ و تحول جسمی و روانی‌اش دبستان را ترک خواهد کرد تا به دنیای وسیع‌تری بپیوندد که در تداوم تلاش‌های مدرسه‌ی ابتدایی، او را برای مسئولیت‌ها و وظایف زندگی بزرگ‌سالی آماده می‌کند.

اما آنچه مایه‌ی خوش حالی است و گفت‌وگو با نیما آن را به خوبی نشان می‌دهد، برخورداری دانش‌آموزان این مدرسه از وجود معلمان و مربیانی است که با صبر، حوصله و نگرش مثبت، هر دانش‌آموز را همان‌گونه که هست، می‌پذیرند، به او اعتماد می‌کنند و فرصت‌های متعددی را برای ایجاد احساس تعلق به کلاس و تقویت انگیزه‌ی یادگیری و لذت بردن از مدرسه برای او فراهم می‌کنند. نتایج این نوع تلاش‌ها بدون شک به پایه‌گذاری شخصیت‌های سالمی کمک خواهد کرد که برای زندگی و خدمت در جامعه‌ای که نیازمند تلاش و مشارکت هر یک از آن‌هاست، آماده شوند. ■

پی‌نوشت‌ها Mediation ۱

رویکرد میانجیگری در مدرسه برای آموزش مهارت‌های خاص ارتباطی، همکاری و توانمندسازی دانش‌آموزان در زمینه‌ی شناخت نشانه‌های خشم در مدرسه و پاسخ‌گویی به آن، به نحو سازنده به کار گرفته می‌شود. درباره‌ی این مفهوم در کتاب «میانجیگری در مدرسه» تألیف زهرا بازرگان، انتشارات مدرسه، توضیح داده شده است.

Circle Time ۲

برای مطالعه‌ی بیشتر در مورد این رویکرد تربیتی، می‌توان به کتاب «مدیریت تعارض در مدرسه» تألیف و ترجمه زهرا بازرگان، انتشارات سخن و یا کتاب «تغییر و نوآوری در مدرسه» انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، از همین مؤلف، مراجعه کرد.

مدیرمان گزارش می‌دهند، ولی معمولاً این کار را نمی‌کنند. بیشترین تنبیه، محروم کردن از برنامه‌ی مورد علاقه یا کم کردن امتیازهاست.

شنیده بودیم که یکی از برنامه‌های مدارس کبک، فعالیت‌های خارج از مدرسه‌ی دانش‌آموزان است، به‌صورتی که دانش‌آموزان کلاس‌های بالاتر موظف‌اند ساعتی از هفته را در بیرون از مدرسه بگذرانند. نیما در این باره می‌گوید: «بله درست است. یکی از چیزهایی که در مدرسه‌ی ما تشویق می‌شود، خدمت کردن به دیگران و خوش‌حال کردن آن‌هاست. کلاس ما تا به حال دوبار در یکی از خانه‌های سالمندان برنامه‌های تئاتر و نمایش گذاشته است.

بعضی وقت‌ها دانش‌آموزان بعضی از کلاس‌ها مسئول جمع‌آوری پول برای گروه‌های خاصی از مردم می‌شوند. مثلاً برای کودکان معلول ذهنی یا کودکان شیرخوارگاه و حمایت از حیوانات یا مبارزه برای بیماری سرطان. این فعالیت‌ها معمولاً با هماهنگی و زیر نظر بعضی از معلمان انجام می‌شوند.»

● صحبت ما به درازا کشیده است.

به‌عنوان آخرین سؤال می‌پرسم:

«برای تو چه روز‌هایی بهترین روزهای مدرسه است؟»

نیما مثل همه‌ی هم‌سالان خود روزهای جشن و اعیاد را بهترین روز مدرسه می‌داند. او می‌گوید: «هر وقت جشن یا مراسمی در مدرسه داریم، خیلی خوش می‌گذرد. در این روزها به بچه‌ها آبنبات می‌دهند و فیلم‌های خنده‌دار برایمان می‌گذارند یا شکلات

به درس خواندن و لذت بردن از ساعاتی که در مدرسه می‌گذرانید، کارهای زیادی می‌کنند. در مقابل از شما دانش‌آموزان چه انتظاری دارند؟

ما کلاسمان را خودمان تمیز و مرتب می‌کنیم. بعد از هر فعالیت، مثلاً کاور روی میزها را تمیز می‌کنیم، خرده کاغذها را جمع می‌کنیم، قلم‌موها را می‌شوئیم و همه‌ی وسایل را مرتب می‌کنیم و سرچایشان می‌گذاریم. ما نباید کسی را ناراحت کنیم و تکالیفمان را باید به‌طور کامل انجام دهیم.

● در مورد تکالیف درسی و مشق شب بگو.

تکالیف درسی برای هفته‌ی بعدی، در آخرین روز مدرسه، یعنی جمعه، تعیین می‌شود و ما یک هفته وقت داریم آن‌ها را انجام دهیم. معمولاً صبح جمعه تکالیف را بررسی می‌کنند و معلم پاسخ‌سؤالات را روی تخته می‌نویسد و بچه‌ها تکالیف خود را تصحیح می‌کنند، اگر دانش‌آموزی یکی از تکالیف را انجام ن داده باشد، از او امتیاز کم می‌شود و او ناچار است آن کار را در آن دو ساعت آخر وقت روز جمعه که همه آزادند، انجام و تحویل بدهد. این دو ساعت برای ما خیلی مهم است.

می‌خواهم بدانم روش‌های تربیتی و انضباطی مدرسه چگونه است؟ به همین خاطر، از نیمادر مورد وجود نمره‌ی انضباط و به‌طور کلی چگونگی مقررات رفتاری مدرسه می‌پرسم.

در مدرسه‌ی ما هیچ کس تنبیه نمی‌شود. گاهی اگر شاگردان رفتار نامناسب داشته باشند، معلم‌ها تهدید می‌کنند که به

تجربه

گاهی بی‌نظم باشید!

وقتی وارد کلاس شدم، موضوع درس را روی تخته نوشتم: «برای جلوگیری از هرج و مرج و بی‌نظمی به قانون و مقررات نیاز داریم.»

از دانش‌آموزانم خواستم به مدت ده دقیقه هر کاری که می‌خواهند در کلاس انجام بدهند، فقط به خودشان یا دیگران آسیب نرسانند.

شور و هیجان خاصی در کلاس به پا شد. یکی روی تاقچه نشست، یکی از کلاس بیرون رفت، دیگری در را باز و بسته می‌کرد و بعضی‌ها هم جیغ می‌کشیدند. یکی از بچه‌ها به شوخی مقنعه‌ی دوستش را کشید و درزش باز شد. البته او را آرام کردم و گفتم نگران نباشد، به مادرش زنگ می‌زنم و می‌گویم قضیه از چه قرار بوده است. پای یکی دیگر از دانش‌آموزان هم که به حالت تاب‌خوردن روی میز قرار گرفته بود به میز خورد که خدا را شکر آسیب جدی ندید.

بعد از پایان زمان ده دقیقه‌ای، از بچه‌ها خواستم سر جایشان بنشینند. همه می‌خندیدند و تا حدودی به خاطر کارهایی که انجام داده بودند خجالت می‌کشیدند.

گفتم: «در این ده دقیقه هر کس هر کاری دلش خواست انجام داد. دیدید که بی‌نظمی هم در کلاس به وجود آمد. حتی این بی‌نظمی باعث آسیب رسیدن به خودتان یا دیگران شد.»

بعد موضوع را به خارج از کلاس (مدرسه، روستا، شهر و جامعه) تعمیم دادم. و در نهایت همگی به این نتیجه رسیدیم که برای جلوگیری از بی‌نظمی به قانون و مقررات نیاز داریم.



خاطره

از روی دست من نگاه نکنید!

در یکی از سال‌های تدریسم در پایه‌ی اول دانش‌آموزی به نام شریفه داشتم که در درس املا ضعیف بود، طوری که در مدت چهار ماه توانسته بود فقط چند کلمه یاد بگیرد.

یک روز در ساعت املا او را کنار میز خودم آوردم تا راحت‌تر بنویسد. فاطمه را که شاگرد زرنگ کلاس بود هم سمت دیگر نشاندم.

دو سه جمله از متن را گفته بودم که دیدم شریفه توانسته است بعضی از کلمات را درست بنویسد. گفتم: «آفرین شریفه، خیلی عالی نوشتی». در همین حال، به فاطمه که کنارش ایستاده بود، گفتم: «فاطمه از روی دیکته‌ی شریفه نگاه نکن، خودت بنویس». شریفه با غرور خودش را جمع کرد و دفترش را طوری گرفت که فاطمه نگاه نکند. بعد از گذشت چند دقیقه، صدای گریه‌ی شریفه بلند شد که: «اجازه، فاطمه همه‌اش از روی من می‌نویسد». با لبخند به فاطمه گفتم: «چرا نگاه کردی؟ دیگر این کار را نکن» و فاطمه هم با لبخند پذیرفت.

املا که تمام شد، دفتر شریفه را پیش خودش تصحیح کردم. او توانسته بود حداقل پنج شش کلمه را درست بنویسد. به او گفتم: «من امروز به تو نمره‌ی «خوب» می‌دهم. دوست داری نمره‌ی خیلی خوب بگیری؟» گفتم: «بله». گفتم: «پس، امروز با هم‌دیگر تمرین می‌کنیم». بعد از آن، در فرصت‌هایی که پیش می‌آمد، حروف و روخوانی از روی متن را با هم کار می‌کردیم. در نهایت شریفه توانست خودش را به نمره‌ی خیلی خوب برساند. موقع نوشتن املا هم دفترش را طوری می‌گرفت که کسی نتواند به آن نگاه کند. ■

تجربه

صبحانه‌ی دورهمی

یکی از فعالیت‌های مبحث تغییرات مواد (فیزیکی و شیمیایی) درس علوم، تهیه‌ی دوغ گازدار بود. ما این کار را انجام داده بودیم و باید برای مشاهده‌ی نتیجه یک هفته صبر می‌کردیم. فعالیت دیگر مشاهده‌ی تخم‌مرغ به‌صورت خام، آب‌پز و نیمرو بود. در این مبحث، از بچه‌ها خواستم هر کس دو تخم‌مرغ از خانه بیاورد. هر کس هم دوست دارد یک تخم‌مرغ آب‌پز با مقداری رب، روغن و نان بیاورد.

آن روز حدود چهل تخم‌مرغ به کلاس آورده شد. آن‌ها را به خدمتگذار مدرسه دادیم تا با کمک یکی از مادران نیمرو را آماده کنند. بعد از اینکه درباره‌ی مواد فیزیکی و شیمیایی صحبت شد، نیمرو را به کلاس آوردیم و آن را به همراه دوغ گازداری که درست کرده بودیم خوردیم.

پایان آن روز بچه‌ها پیشنهاد دادند ماهی یک بار در کلاس صبحانه بخوریم. قبول کردم و در روزهایی که حجم درس‌ها کمتر بود، ساعتی را به صبحانه خوردن اختصاص دادیم. برای صبحانه، میز و نیمکت‌ها را کنار دیوار قرار می‌دادیم و وسط کلاس موکت پهن می‌کردیم. این کار مورد استقبال بسیار والدین نیز قرار گرفت و دانش‌آموزانم هم برای رسیدن روز صبحانه لحظه‌شماری می‌کردند.



روزگاری که معلم‌ها آدم بودند

ایزاک آسیموف (یا به تعبیر خودمانی‌تر: اسحاق عاصم‌اف) یکی از مشهورترین نویسندگان داستان‌های علمی-تخیلی در جهان است. او در سال ۱۹۲۰ در روسیه به دنیا آمد و در کودکی به همراه خانواده‌اش به آمریکا رفت. در هیجده سالگی لیسانس گرفت و در بیست و نه سالگی به دریافت درجه‌ی دکترای در رشته‌ی زیست‌شیمی از دانشگاه کلمبیا نایل شد و به عنوان یکی از جوان‌ترین استادان، به تدریس در دانشکده‌های گوناگون پرداخت. آسیموف، که نوشتن داستان‌های علمی-تخیلی خود را از سال‌های تحصیل در دانشکده آغاز کرده بود، صدها کتاب برای کودکان، نوجوانان و بزرگسالان نوشته است که تعدادی از آن‌ها به زبان فارسی ترجمه و در ایران چاپ شده است. از جمله آثار ترجمه شده‌ی او به فارسی می‌توان به سی و پنج جلد تاریخ علم (برای نوجوانان) و سه جلد دایرةالمعارف دانشمندان علم و صنعت (برای بزرگسالان) اشاره کرد.

آن شب «مارجی»^۱ تا دیروقت فکر می‌کرد و آخر سر در دفترچه‌ی خود نوشت: «۱۷ ماه مه ۲۱۵۵ - امروز برادرم «تامی»^۲ یک کتاب واقعی پیدا کرد.» کتاب خیلی کهنه‌ای بود. یک بار پدر بزرگ مارجی از قول پدر بزرگ خودش گفته بود که در گذشته، همه‌ی داستان‌ها را روی کاغذ چاپ می‌کردند. آن روز، باور کردن چنین چیزی برای «مارجی» خیلی سخت بود. اما حالا که با «تامی» ورق‌های زرد و پوسیده‌ی لای کتاب را ورق می‌زدند به نظرش خیلی عجیب بود که با رفتن به صفحه‌ی بعد، مطالب صفحه‌ی قبلی هنوز سر جایشان بودند و از روی صفحه پاک نمی‌شدند. همین‌طور که با تعجب به کتاب نگاه می‌کردند، تامی گفت: «عجب کار بی‌خودی! حتماً آن روزها بعد از خواندن و تمام کردن یک کتاب، آن را دور می‌انداختند. اما حالا روی صفحه‌ی نمایشگر می‌توانیم یک میلیون کتاب بخوانیم، شاید هم بیشتر. من که هیچ‌وقت حاضر نیستم آن را دور بیندازم.»

مارجی گفت: «من هم همین‌طور» او یازده ساله بود و هنوز به اندازه‌ی «تامی» (که سیزده سال داشت) «تله کتاب»^۳ ندیده بود. از تامی پرسید: «کجا پیدایش کردی؟» او بدون اینکه سرش را از روی کتاب بلند کند، جواب داد: «در

خانه، از توی انباری»
- درباره‌ی چیه؟
- مدرسه!

«مارجی» که سر در نمی‌آورد. پرسید: «مدرسه؟ درباره‌ی مدرسه چی نوشته؟ من که از مدرسه بدم می‌آید.»

«مارجی» همیشه از مدرسه بدش می‌آمد. به خصوص از وقتی که معلم ماشینی پشت سر هم از او امتحان جغرافیا گرفته و نمره‌های او روز به روز بدتر شده بود. تا اینکه چندوقت پیش، مادرش متوجه موضوع شده و همین‌طور که سرش را به علامت تأسفک تکان می‌داد، به دنبال تعمیرکار فرستاد. تعمیرکار که مرد کوتاه قدی بود و گونه‌های سرخی داشت، جعبه‌ی ابزار سفیدی پر از سیم و وسایل عجیب و غریب با خود آورده بود. اول لبخندی به «مارجی» زد و یک سیب به او داد. بعد همه‌ی پیچ و مهره‌های معلم را از هم باز کرد. مارجی خداحدا می‌کرد که نتواند آن را دوباره سر هم کند! اما تعمیرکار در عرض یک ساعت، آن را مثل اولش درست کرد. یک دستگاه بزرگ و سیاه با صفحه‌ای بزرگ که تمام درس‌ها در آن نمایش داده می‌شد و همه‌ی سؤال‌ها روی آن نوشته می‌شد. همه‌ی این‌ها به کنار، قسمتی که «مارجی» بیشتر از همه از آن بدش می‌آمد، شکافی بود که از آنجا تکالیف و پاسخ‌نامه‌های امتحانی خود را داخل ماشین می‌کرد و ماشین در یک چشم به هم زدن تکالیف او را بررسی می‌کرد و به ورقه‌هایش نمره می‌داد. «مارجی» از شش سالگی یاد گرفته بود که تکالیفش را به زبان ماشین بنویسد.

تعمیرکار بعد از اینکه کارش را تمام کرد، دستی به سر «مارجی» کشید و با لبخند به مادر او گفت: «تقصیر این کوچولو نبود خانم «جونز»^۴. به نظرم تنظیم بخش جغرافیا به هم خورده بود و کمی تندتر از حد معمول کار می‌کرد. این‌طور چیزها بعضی وقت‌ها پیش می‌آید، من سرعت آن را در حد یک دانش‌آموز ده ساله تنظیم کردم. یعنی در واقع درس دختر شما خوب بوده است» و دوباره دستی به سر «مارجی» کشید. «مارجی» ناراحت بود. فکر می‌کرد دست کم مدتی از شر این معلم راحت خواهد شد. همان‌طور که قبلاً معلم «تامی» را به دلیل خراب بودن قسمت تاریخ، یک ماه تمام در تعمیرگاه خوابانده بودند.

بنابراین، «مارجی» که دل خوشی از مدرسه نداشت، پرسید: «اصلاً چرا باید درباره‌ی مدرسه چیز بنویسند؟»

«تامی» مثل کسانی که خیلی چیزها سرشان می‌شود، قیافه‌ای جدی به خود گرفت، گفت: «چون که این مدرسه از آن مدرسه‌هایی که تو فکر می‌کنی نیست. اصلاً تو چه می‌فهمی! اینجا درباره‌ی مدرسه‌هایی نوشته شده که صدها



تصویرگر: ظهیرالدین آقاخانی

مخصوص داشتند و همه‌ی بچه‌ها به آنجا می‌رفتند.»
 - یعنی همه‌ی بچه‌ها یک درس را می‌خواندند؟
 - خوب، معلوم است. درس همه‌ی آن‌هایی که در یک سن بودند، یک‌جور بود.
 - ولی مادر می‌گوید که معلم باید خودش را با سطح درک بچه تطبیق بدهد و به هر بچه‌ای باید جداگانه درس داد.
 - همین که گفتیم! آن وقت‌ها فرق می‌کرد. اگر خوش‌نمی‌آید، مجبور نیستی این کتاب را بخوانی.
 «مارجی» با دست‌پاچگی جواب داد: «من کی گفتم خوش‌نمی‌آید.» او می‌خواست چیزهای بیشتری درباره‌ی آن مدارس جالب بخواند. وقتی نصف کتاب را خوانده بودند، مادر صدا زد: «مارجی! مارجی! مدرسه!»
 «مارجی» با التماس گفت: «هنوز که وقتش نشده»
 خانم «جونز» گفت: «بلند شو، همین الان! «تامی»، تو هم همین‌طور.»

«مارجی» از «تامی» پرسید: «می‌آیی بعد از مدرسه دوباره این کتاب را بخوانیم؟» «تامی» به سردی جواب داد: «شاید، حالا ببینم چه کار می‌کنم» بعد در حالی که سوت می‌زد، کتاب کهنه و غبارآلود را زیر بغل زد و همین‌طور رفت.
 اتاق مدرسه کنار اتاق خواب «مارجی» بود. معلم ماشینی روشن شده بود و انتظار او را می‌کشید. همیشه غیر از روزهای تعطیل، سر وقت روشن می‌شد. مادرش می‌گفت بهتر است دخترهای کوچولو درسشان را سر ساعت بخوانند و نظم داشته باشند. روی صفحه‌ی ماشین نوشته شد: «توجه! درس ریاضی امروز درباره‌ی جمع کردن اعداد کسری است. لطفاً تکالیف دیروز را داخل شکاف قرار بدهید.» «مارجی» آهی کشید و تکالیفش را به دستگاه داد. همه‌ی حواسش پیش مدرسه‌های قدیمی بود. آن روزهایی که پدربزرگ پدربزرگش پسر کوچکی بود. بچه‌های همسایه با خنده و هیاهو در حیاط مدرسه جمع می‌شدند و همه در یک کلاس می‌نشستند و با هم به خانه برمی‌گشتند. هم‌کلاسی‌ها می‌توانستند در درس‌ها به همدیگر کمک کنند. روزگاری که معلم‌ها آدم بودند... معلم ماشینی به کارش ادامه داد و روی صفحه نوشت: «وقتی بخواهیم عدد کسری ۱/۴ را با ۱/۲ جمع کنیم... اما «مارجی» همچنان غرق در خیالات بود و با خود فکر می‌کرد بچه‌های آن روزگار چه‌قدر از درس لذت می‌بردند و چه اوقات خوشی داشتند. ■

پی‌نوشت‌ها

۱. Margie

۲. Tommy

۳. کتابی که مطالب آن روی دیسک کامپیوتری ضبط شده باشد.

۴. Jones

سال قبل وجود داشته‌اند.» و با غرور خاصی ادامه داد: «قرن‌ها قبل از این، می‌فهمی؟!»
 «مارجی»، که دلخور شده بود، گفت: «خوب، من از کجا بدانم آن همه سال قبل مدرسه‌ها چه جور بودند.»
 بعد روی شانه‌ی «تامی» خم شد. چند خطی از کتاب کهنه را خواند و گفت: «به هر حال معلم که داشتند، مگر نه؟»
 - البته که داشتند. اما نه یک معلم معمولی؛ معلم آن‌ها آدم بود!
 - یک آدم؟ چه‌طور یک آدم می‌تواند معلم باشد؟
 چه‌طور ندارد. او به پسرها و دخترها چیز یاد می‌داد، از آن‌ها سؤال می‌کرد و تکالیفشان را بررسی می‌کرد.
 - اما آدم که نمی‌تواند مثل معلم زرنگ باشد.
 - چرا نمی‌تواند؟ پدر به اندازه‌ی یک معلم چیز بلد است. اگر باور نمی‌کنی حاضر شرط ببندم.
 «مارجی» که آمادگی بحث بر سر این موضوع را نداشت، گفت: «اصلاً دلم نمی‌خواهد یک آدم غریبه بیاید توی خانه به من درس یاد بدهد.»
 «تامی» یک دفعه زد زیر خنده و گفت: «تو خیلی از مرحله پرتی. معلم که به داخل خانه نمی‌آمد. یک ساختمان

پرورش استعداد های دانش آموزان ابتدایی با قصه و شعر

امروزه شاهد پیشرفت روز افزون زندگی و ورود رسانه های جدید در حیطه ی آموزشی هستیم، اما از لحاظ عمق بخشی، هیچ کدام از آن ها توان رقابت با اولین شیوه ی آموزش یعنی لالایی و قصه گویی را ندارند. لالایی و قصه گویی هنری ارزشمند است که نه تنها رابطه عاطفی میان مادر و کودک را استحکام می بخشد، بلکه در تقویت اعتماد به نفس، یادگیری زبان، افزایش رشد شناختی و مهارت های حرکتی و استعداد نیز مؤثر است.

مذهب، اخلاق و اعتقادات هر جامعه را نشان داده اند. با خواندن قصه و بازگویی آن، نیروی بیان و تکلم کودک رشد پیدا می کند و بر دایره ی لغات و اطلاعاتش افزوده می شود. بهتر است داستان با همه ی جنبه های شخصیتی کودک ارتباط داشته باشد، و نیازهای درونی کودک را جدی بگیرد و اعتماد او را به خود و آینده اش تقویت کند. آگاهی دادن به کودک درباره ی دنیایی که در آن زندگی می کند، پرورش عادت های مفید و ایجاد عزت نفس و حس استقلال طلبی و گسترش خلاقیت از مهم ترین هدف هایی هستند که در قصه گویی برای کودک دنبال می شوند. قصه ها، بر خلاف شکل های دیگر ادبیات، کودک را در راه کشف هویت و معنای زندگی خویش هدایت می کنند. قصه به کودک می آموزد برای ادامه ی تکامل شخصیت فردی چه تجربه هایی ضروری اند. قصه به کودک قول می دهد، اگر شجاع باشد و در راه این تلاش طاقت فرسا و مهیب قدم بردارد، نیروهای خیراندیش و نیکوکار به کمکش می آیند و موفقیت او حتمی خواهد بود.

تأثیر و فایده های قصه بر دانش آموزان دوره ی ابتدایی

درک ارتباط و پرورش عقل: قصه ها به کودکان کمک می کنند ارتباط بین شخصیت های قصه را درک کنند و این موارد را در زندگی نیز متوجه شوند. اجتماعی شدن و پرورش اخلاق: قصه ها، پیام ها و ارزش ها را به مخاطبان منتقل می کنند. کودک با شنیدن قصه و فکر کردن به آن، با ارزش های اجتماعی و انسانی آشنا می شود.

تقویت قدرت تمرکز: کودک با شنیدن قصه توانایی شنیدن فعال را تجربه می کند و بر قدرت تمرکز او افزوده می شود. افزایش خزانه ی لغات: کودک با شنیدن یا خواندن قصه با گستره ای از کلمه ها آشنا می شود و خزانه ی لغاتش

ورزش باعث سلامت جسم آدمی است، حکایت ها و داستان ها باعث سلامت روح اوست. قصه ها و افسانه ها نوعی زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم، شیوه ی کار و تولید آن، و نیز رفتار، تفکر، احساس،

افلاطون در اهمیت قصه، قصه گویی و خواندن برای کودکان می گوید: «باید از پرستاران و مادران بخواهیم فقط حکایاتی را برای کودکان نقل کنند که باعث پرورش روح اطفال باشد. همان طور که





مجله‌ی رشد کودک
شماره ۹-۱۳۹۶

پیرامون خود آشنا می‌شوند. هر قصه‌ای می‌تواند فضایی را به وجود آورد که کودکان هنگام رویارویی با نمونه‌های واقعی، رفتار و واکنش مناسبی از خود نشان دهند.

چرا کودکان و نوجوانان به قصه و شعر علاقه دارند؟

کودک رشد می‌کند و نیازها و رغبت‌هایش هر سال متفاوت‌تر از سال دیگر می‌شوند. بر این اساس، دوران کودکی و نوجوانی به چهار مرحله تقسیم می‌شود که به تناسب این نوشته به دو مرحله‌ی پیش‌دبستانی و دبستانی اشاره شده و علاقه‌های کودکان به داستان و شعر در هر یک از دوره‌ها به صورت خلاصه بیان می‌شود:

مرحله‌ی پیش‌دبستان: در این مرحله کودک از نظر زبانی و گویایی به سرعت رشد می‌کند. به فعالیت‌ها علاقه‌مند است و از الفاظ تکراری و وزن و قافیه لذت می‌برد. حکایاتی را که با زندگی او ارتباط دارند دوست دارد. از نقش حیوانات در شعر و قصه لذت می‌برد، ولی کمتر دقت می‌کند.

مرحله‌ی دبستان: توانایی خواندن در این مرحله به وجود می‌آید. ذهن نظم منطقی پیدا می‌کند و میل به خواندن زیاد می‌شود. کودکان روابط منطقی بین عوامل قصه و داستان و شخصیت‌های آن را درک می‌کنند و دقت آنان بالا می‌رود.

نقش معلمان در مدرسه

یادگیری و حفظ کردن داستان نیز مانند مرور کردن درس برای امتحان یا آموختن متن نمایش لازم است و به تلاش جدی نیاز دارد. برای تسلط کافی به خواندن قصه و شعر و اجرای موفقیت‌آمیز آن ضروری است ابتدا متن داستان و قصه را مرور کرد و آن گاه با مطالعه، به موضوعی که قرار است از طریق قصه به بچه‌ها تفهیم شود، اشراف بیشتری پیدا کرد. در

افزایش می‌یابد.

ایجاد تعادل ذهن و زیباشناسی:

کودک هنوز در شناخت دنیا تجربه‌ای ندارد. بنابراین، قصه را با آموخته‌های قبلی ارتباط می‌دهد و به تعادل ذهنی می‌پردازد. بر اساس چنین روندی است که از قصه‌های تخیلی لذت می‌برد و متوجه تفاوت بین خیر و شر، و زیبایی و زشتی می‌شود. قصه و داستان‌هایی که برای کودکان نوشته می‌شوند، در ایجاد انگیزه و پیشرفت آینده‌ی آن‌ها و در نتیجه مملکت تأثیر فراوانی دارند.

تأثیر مثبت شعر بر دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی

تقویت خیال‌پردازی: شعر مجموعه‌ای از کلمات و آکنده از احساس و خیال و تصویر است و قدرت خیال‌پردازی و احساسات بچه‌ها را تقویت می‌کند.

تقویت قوه‌ی حافظه: شعر به دلیل داشتن وزن و قافیه زود حفظ می‌شود. این ویژگی به تقویت حافظه و اعتمادبه‌نفس کودک کمک می‌کند. همچنین، خواندن شعر باعث ایجاد هماهنگی حرکتی بین دست، چهره و ذهن کودک و تخلیه‌ی روحی خواننده می‌شود. پژوهشگران روان‌شناسی علت جذابیت ادبیات را در این می‌دانند که مطالب را به گونه‌ای بیان می‌کند که مستقیم در خودآگاه تأثیر نمی‌گذارد، بلکه غیرمستقیم و رازآلود درک می‌شود. کودک با قصه همسفر می‌شود و این سفر به همراهش کشف می‌آورد و شهود، درک و تشخیص سره از ناسره، دیگر به راحتی هر چیزی را نمی‌پذیرد و گردن بر هر چیزی فرود نمی‌آورد. می‌داند بدها عاقبت خوشی نخواهند داشت و خوب‌ها رستگار می‌شوند. نویسندگان حوزه‌ی کودک و نوجوان و همچنین روان‌شناسان رشد معتقدند، قصه‌ها برای کودکان خردسال فقط محرک‌های روانی و شنیداری نیستند، بلکه کارکردهای فراوانی دارند. کودکان از طریق قصه‌ها با محیط

هر صورت، با توجه به تجربه‌ام و تدریس چندین ساله در رشته‌ی آموزش ابتدایی به نظر می‌رسد در آموزش بچه‌ها در مدارس خلأ آموزشی احساس می‌شود؛ هرچند معلمان در تدریس خود از روش‌های گوناگون استفاده می‌کنند. با این حال، معلمان کوشا و اهل مطالعه می‌توانند خلأ موجود را با خواندن انواع کتاب‌های قصه و شعر پر کنند. لازم به ذکر است، معلمان در نظام‌های آموزشی باید بدانند بین اجرای فعالیت‌های آموزشی و فعالیت‌های پرورشی و فوق برنامه ارتباط بسیار عمیقی وجود دارد. ممکن است بسیاری از معلمان با شناختی که از بچه‌های خود دارند درباره‌ی علاقه‌ها، ترس‌ها، یا محبت‌هایش قصه بگویند، اما قصه در مدرسه ویژگی‌های خاص خود را دارد و شکل ارائه‌ی آن متفاوت است.

قصه در مدرسه شور و عاطفه‌ی بیشتری می‌طلبد و با توجه به نیازهای فطری مخاطب فرق می‌کند. برای این منظور، باید کتاب‌های درسی سرشار از ادبیاتی غنی و مفید باشد. این ادبیات باید با مدیریت و برنامه‌ی آموزشی همسو شود و در برنامه‌ی تحصیلی خللی وارد نکند. معلم می‌تواند با قصه مهارت‌های پژوهشی را به دانش‌آموزان بیاموزد و گوش سپردن به قصه و برانگیختن کودکان را با آن‌ها تجربه کند. به هر حال، تأثیرات شعر و موسیقی در کودکان بسیار زیاد است. به همین دلیل، می‌توان از این وسیله برای آموزش بهتر، مؤثرتر و ماندگارتر استفاده کرد، چراکه قصه و شعر با روحیه‌ی کودک بسیار سازگار است و او هر آنچه را هدف آموزش باشد و از طریق شعر و موسیقی فراگیرد، می‌آموزد. ■

خط، رنگ و معنا بر دیوار مدارس

یکی از جنبه‌های مهم مدرسه‌داری، زیباسازی محیط آن است. تقریباً تمامی مدارس سعی می‌کنند با صرف هزینه، دیوارهای حیاط مدرسه یا سالن‌ها و در ورودی کلاس‌ها یا حتی خود کلاس‌ها را با طراحی‌ها و دیوار نوشته‌ها زیباتر کنند تا محیط آموزشگاه شاداب‌تر شود. در همین زمینه پیشنهاد کردیم در قالب مسابقه‌ای شما می‌توانید از دیوار نوشته‌ها و طراحی‌های مدرسه خود عکس یا فیلم تهیه کنید و برای ما بفرستید. تعداد زیادی از مدیران و آموزگاران مدارس از این طرح استقبال کردند. تصمیم گرفتیم قبل از اینکه برندگان مشخص شوند، تصاویر بهتر را در هر شماره چاپ کنیم. و در نهایت در شماره چهارم تصاویر برتر را معرفی کنیم. دو صفحه از مجله را به این کار اختصاص داده‌ایم. امیدواریم منشأ الهام مابقی مدارس برای داشتن مدرسه‌ای زیباتر شود. چاپ این عکس‌ها به معنای برنده شدن نیست. ■



دبستان پیروان امام علی (ع) / منطقه‌ی ۱۵



دبستان دخترانه‌ی طالقانی / منطقه‌ی ۱۵



دبستان دخترانه‌ی محبوب / اصفهان / ناحیه‌ی ۵



دبستان حضرت زینب (س) / منطقه‌ی ۴



دبستان دخترانه‌ی شهید مفتاح / منطقه‌ی ۳



دبستان دخترانه‌ی بهار دانش / منطقه‌ی ۵



دبستان سروش / شهرستان رباط کریم



دبستان شهید اباذر منفرد / شیراز



دبستان شهید احمد دامن پاک / زرین شهر / اصفهان



دبستان دخترانه عبداللهی / شهرستان اردکان



دبستان دوازده فروردین تجره / روستای تجره از توابع شهرستان خوانسار / اصفهان

صفحه‌ی همراهان ما، انعکاس بخشی از تماس‌های مخاطبان ماه‌نامه است. کارشناسان مطالب ارسالی را بررسی می‌کنند؛ مطلب در صورت تأیید، در نوبت چاپ قرار می‌گیرد. توجه داشته باشید، مطالبی مورد تأیید کارشناسان قرار می‌گیرد که حائز شرایطی باشد که در صفحه ۴۷ درج شده است.

- ۱ سجاد حسینی؛ آموزگار - میمند، استان فارس
«پیشنهاد»
- ۲ زینت گرامی؛ مدیر دبستان - شهرستان دشتی، استان بوشهر
«طرح جایزه صلح دبستان شهید سروری مطلق»
- ۳ سعیده شاهسونی؛ آموزگار - اصفهان
«نقش والدین در آموزش ریاضیات کودکان دوره ابتدایی»
- ۴ عبدالله عالی شیرمرد، مجتبی دهدار؛ مشاور و دبیر متوسطه اول - شاهین شهر، استان اصفهان
«ترجمه مقاله: آموزش فمینیستی انتقادی در تربیت معلمان دوره ابتدایی»
- ۵ پروین محمدی؛ آموزگار - استان کردستان، شهرستان مریوان
«خاطره جالب و شنیدنی ترس از سؤال کردن»
- ۶ ایوب مقصودی؛ آموزگار - شهرستان خدابنده، استان زنجان
«روش‌های تدریس فعال در دوره ابتدایی»
- ۷ سعید چگنی؛ آموزگار - استان لرستان، شهر بروجرد
«آموزش و بیان بدنی»
- ۸ طاهره احمدی، غلامعلی احمدی؛ آموزگار - استان اصفهان، شهر دهق
«تربیت یادگیرنده با رویکرد پژوهش محور»
- ۹ نصرالله خوشرویان؛ راهبر آموزشی و تربیتی - استان مازندران، شهر سرخ رود
«توسعه منابع انسانی، انگیزش و اسلام»
- ۱۰ عادل رضائی‌پور؛ آموزگار - گیلان
«چند عامل مؤثر در اجتماع‌پذیری دانش‌آموزان»
- ۱۱ حمید رفیعی افوسی؛ آموزگار - استان اصفهان، شهر افسوس
«چگونه دانش‌آموزان کلاس سوم دبستان را به درس ریاضی علاقه‌مند کنم»
- ۱۲ امین حسن‌زاده؛ مراغه
«داستان شب»
- ۱۳ هایده ابراهیمی؛ آموزگار - استان کردستان، شهرستان مریوان
«توجه و شناخت موانع موجود در فرایند درس‌پژوهی و
- ارائه راهکارهای مقابله با آن در مدرسه»، «حجاب و عفاف»، «پیشنهاد»
- ۱۴ محمد رومیانی؛ آموزگار - استان لرستان، شهر خرم‌آباد
«کلاس‌های چندپایه»
- ۱۵ محمد شیرزادی مرگای؛ آموزگار - اسلامشهر
«تخلیه انرژی، راهبردی مدیریتی در اداره مطلوب کلاس درس»
- ۱۶ یوسف منتشلو؛ آموزگار - شهر دلبران از توابع قروه کردستان
«پیشنهادها»
- ۱۷ سجاد حسینی؛ آموزگار - میمند، استان فارس
«پیشنهادها»
- ۱۸ سمیه هاشمی؛ آموزگار - شهر آبیک، استان قزوین
«عوامل مؤثر بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان»
- ۱۹ علیرضا کریم‌زاده ریزی؛ مدیر دبستان - اصفهان
«ارزشیابی توصیفی طرحی برای زندگی از تولد تا مرگ»
- ۲۰ مهرانگیس میرزاییگی؛ آموزگار - ایلام
«معلم مؤثر علم بیشتری منتقل می‌کند»
- ۲۱ سید منصور فتوکیان؛ آموزگار - رامسر
«هر صبح در آینه جادویی خورشید»
- ۲۲ توران کابلی قره تپه؛ آموزگار - قره تپه
«شاخه گلی برای معلم»
- ۲۳ حیدر بایزیدی؛ آموزگار - استان کردستان، شهر سقز
«مدارس ابتدایی روستایی و راهبران آموزشی و پرورشی»
- ۲۴ خیران بهروز؛ معاون آموزشی - استان مازندران، قائم‌شهر
«مدارس ابتدایی روستایی و راهبران آموزشی و پرورشی»
- ۲۵ سجاد غفوری؛ دانشجوی دانشگاه فرهنگیان - استان مرکزی، شهر شازند
«تحلیل بخش حکایات کتاب فارسی سال دوم دبستان به روش رادلف اف فلش»



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهانه و نه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد کودک** برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی
- رشد نوجوان** برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی
- رشد دانش‌آموز** برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهانه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد نوجوان** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول
- رشد پسران** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول
- رشد جوان** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم
- رشد جوانان** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهانه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی
- رشد مدرسه فردا ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصل‌نامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان‌های خارجی ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد مدیریت مدرسه
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

- نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.
- تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸
- وبگاه: www.roshdmag.ir

شرایط ارسال مطلب و مقاله

ماهنامه‌ی رشد آموزش ابتدایی آثاری را بررسی می‌کند که در یکی از دسته‌های زیر باشد:

مطالب عمومی

۱. خاطره: معلمان محترم می‌توانند خاطرات تلخ و شیرین خود را برای درج در ماهنامه بفرستند. خاطره باید به مدرسه، درس، دانش‌آموز و روابط معلم و شاگرد مربوط باشد.
۲. تجربه: معلمان محترم می‌توانند تجربه‌های خود را در زمینه‌های آموزشی و تربیتی برای مجله بفرستند. تجربه‌های خلاقانه که معلمان تازه‌کارتر را راهنمایی کنند، در اولویت چاپ قرار می‌گیرند.
۳. داستان: سوژه‌های داستان‌ها باید در حوزه‌ی معلمی و دارای مضمون‌های اخلاقی و پرورشی باشند. البته می‌توانند به زندگی خارج از مدرسه‌ی معلم نیز مربوط باشند.
۴. خبر و گزارش فعالیت: اخبار و گزارش فعالیت‌های آموزشی و پرورشی، به شرط اینکه تازه و بدیع باشند و به امور روزمره، مثل اردو و شرکت در نماز جمعه و راهپیمایی و نظایر آن‌ها مربوط نباشد.

مطالب تخصصی

- مقاله: ماهنامه از مقاله‌های معلمان پژوهشگر استقبال می‌کند. اما شرایط پذیرش مقاله به شرح زیرند:
۱. به موضوعات جدید و مسائل نوین آموزش و پرورش مربوط باشد.
 ۲. در صورت لزوم با عکس و جدول‌های لازم همراه باشد.
 ۳. در قالب مقالات دانشگاهی نباشد.
 ۴. حداقل ۵۰۰ کلمه و حداکثر ۲۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.
 ۵. مقاله‌های کپی‌شده سریع تشخیص داده و دور ریخته می‌شوند.
 ۶. چکیده‌ی مقاله در حداکثر ۲۰۰ کلمه با مقاله همراه شود.
 ۷. منابع تحقیق به ضمیمه‌ی مقاله ارسال شوند.
 ۸. عنوان شغلی نویسنده درج شود. ممکن است مدارک لازم درخواست شود.

نکات دیگر

تحقیقات و پایان‌نامه‌های دانشجویی را برای این مجله نفرستید. شما باید بتوانید کل مطلب پژوهش خود را در قالب مقاله‌ای ژورنالیستی و با رعایت حجم گفته شده تنظیم و ارسال کنید.

از آنجا که مطالب هر شماره از ماهنامه سه ماه قبل از انتشار کامل می‌شوند، لطفاً پس از ارسال مقاله برای نتیجه‌ی آن صبر کنید و تلفن دفتر مجله را اشغال نکنید. ممکن است مطالب ارسالی شما در سال بعد استفاده شوند. ماهنامه تعهدی در قبال انتشار مقاله‌ی شما ندارد. هر چه مقاله‌ای محکم‌تر، مستدل‌تر و بروزتر باشد، اقبال بیشتری برای انتشار آن وجود دارد. ماهنامه در انتخاب، تلخیص و ویرایش مطالب منتخب خود آزادی کامل دارد. در صورت ارسال با ایمیل، در بخش موضوع ایمیل نام مقاله و نویسنده ذکر شود. شماره تلفن و نشانی در اصل مقاله تایپ شود. متن خود را در قالب فایل Word به ایمیل الصاق کنید. فایل PDF نفرستید. برای آثار ترجمه‌ای، لطفاً متن زبان اصلی اثر را همراه فایل ترجمه، به ایمیل ضمیمه کنید و مختصری از زندگی‌نامه و آثار دیگر نویسنده‌ی اصلی را هم بفرستید.

یادآوری مهم:

مطلب و مقاله‌ای که شرایط فوق را نداشته باشد، بررسی نمی‌شود.

نظرسنجی رشد آموزش ابتدایی

مخاطب گرامی، در نظر داریم در نحوه‌ی ارائه‌ی مطالب و موضوعات مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی تغییراتی ایجاد کنیم. این مجله برای شما تهیه می‌شود و این شما هستید که باید به ما بگویید چگونه مجله‌ای می‌خواهید. پاسخ‌های دقیق شما به سؤال‌های زیر به ما کمک می‌کند از تلاش خود بهره‌ی بهتری نصیب جامعه‌ی معلمان ابتدایی کنیم. به ما کمک کنید بدانیم شما چه انتظاری از مجله‌ی مخصوص خودتان دارید. شرکت در این نظرسنجی وقت کوتاهی از شما خواه گرفت، اما می‌تواند راهنمای ما برای ادامه‌ی راهی طولانی و درست‌تر باشد. متن پرسش‌نامه در سایت مجلات رشد به نشانی زیر موجود است:

<http://www.roshdmag.ir>

می‌توانید به‌طور مستقیم به لینک زیر نیز مراجعه فرمایید:

<http://www.roshdmag.ir/fa/nazarsanjibtedaiee>

برای استفاده از نسخه‌ی تلفن همراه پرسش‌نامه، بارکد مقابل را اسکن کنید.



در وبگاه اختصاصی ماهنامه‌ی رشد آموزش ابتدایی می‌توانید به فایل‌های صوتی و تصویری و همچنین بعضی از مطالب بیشتر دسترسی داشته باشید یا شماره‌های قبلی ماهنامه را دانلود کنید و حتی می‌توانید مقالات و گزارش از فعالیت‌های خود را از صفحه‌ی مخصوصی که در اختیار شماست آپلود کنید.

<http://www.eb.roshdmag.ir>



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مركز نشریات آموزشی و حرفه‌ای

اقتصاد مقاومتی؛ تولید و اشتغال

رشد برای شما

نحوه اشتراک:

پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، به دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی؛
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۰۲۳۳۳ ۸۸۴۹۰ لطفاً کپی فیش را نزد خود نگه دارید.

♦ عنوان مجلات در خواستی:

.....

- ♦ نام و نام خانوادگی:
- ♦ تاریخ تولد:
- ♦ میزان تحصیلات:
- ♦ تلفن:
- ♦ نشانی کامل پستی:
- ♦ استان:
- ♦ شهرستان:
- ♦ خیابان:
- ♦ پلاک:
- ♦ شماره پستی:
- ♦ شماره فیش بانکی:
- ♦ مبلغ پرداختی:

♦ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

.....

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۳۳۳۱-۱۵۸۷۵

♦ تلفن بازرگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

♦ Email: Eshterak@roshdmag.ir

♦ هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال

♦ هزینه اشتراک یک ساله مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال

برنامه‌ی درسی ملی در حوزه‌ی تربیت و یادگیری سلامت و تربیت بدنی

حوزه سلامت و تربیت بدنی به دنبال برقراری سلامت کامل جسمی و روانی دانش‌آموزان به عنوان امانت الهی و به کارگیری روش‌های درست انجام فعالیت جسمانی، ارتقای توانایی‌های بدنی و حرکتی، تبیین روش‌های تفریحی سالم و ترویج بهداشت و اصول سالم زیستن و پیشگیری از ایجاد بیماری و اختلال و معلولیت‌های اندامی و توانمندسازی افراد در تسلط بر رفتار خود و حفظ سلامت است.

تربیت بدنی

- مهارت‌های حرکتی و آمادگی جسمانی
- بازی‌ها و رشته‌های ورزشی
- تفریحات سالم

قلمرو حوزه

بهداشت و سلامت

- اصول تغذیه سالم و متوازن
- ایمنی و پیشگیری از آسیب‌های فردی و جمعی در ابعاد و شرایط مختلف
- مهارت‌های زیستی و بهداشت فردی و عمومی
- نظام مراقبت از سلامت جسمانی و روانی با تأکید بر سلامت فرد، خانواده و اجتماع
- بهداشت بلوغ و سلامت نوجوانی



اهداف حوزه

سلامت و بهداشت موجب

- رفاه کامل جسمی، روانی، اجتماعی، معنوی
- پیشگیری از ایجاد بیماری و ضایعات و معلولیت‌های جسمی، حسی، حرکتی
- توانمندسازی فرد در تسلط بر رفتار و حفظ سلامت خود
- پیشگیری از کردارهای پرخطر و بهبود زندگی دانش‌آموزان می‌شود.

دانش‌آموزان در خلال ورزش و فعالیت‌های بدنی یاد می‌گیرند:

- چگونه در قالب گروهی کار کنند
- اعتماد به نفس خود را افزایش دهند،
- برای اوقات فراغت خود برنامه‌ریزی کنند
- خطر کنند
- در مسائل درگیر شوند و به کمک دیگران مسائل را حل کنند.



سالار پویان، میانه / نهمین جشنواره عکس رشد

چراغ راه تو فانوسی نیست که در دست من است.
آینده‌ی روشن در کوله‌پشتی توست.